

تحلیل گفتمان قدرت و هنر در آثار معماری دوره ایلخانی بر اساس نظریه مشروع سازی قدرت دیوید بیتهم

فرزاد فیضی^۱ و حبیب شهبازی شیران^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

چکیده

مهم‌ترین بناهای ایلخانان در پایتخت‌های ایشان، با وجود قرارگیری در دسته بناهای مذهبی، سترگ، رفیع و شاهانه ساخته شده‌اند. منابع تاریخی حکایت از این دارد که شکل نهایی آثار شاخص را خواست سلاطین و دربار تعیین می‌کرده است. هدف اصلی پژوهش شناسایی رابطه گفتمانی بین آثار معماری شاخص این دوره و ارکان اصلی قدرت بوده و در این راه از نظریه مشروع سازی قدرت دیوید بیتهم بهره گرفته می‌شود. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و نوع کیفی و تاریخی، به تبیین عملکرد گفتمانی و مصادیق ارکان اصلی قدرت در آثار معماری مورد مطالعه می‌پردازد. نتایج حاکی از بازتاب عناصر قدرت ساز در مجموعه بناهای معماری ایلخانان و تطبیق مفاهیم این آثار با نظریه مشروع سازی قدرت بیتهم است؛ ایجاد رصدخانه مراغه به عنوان مرکز بسیاری از علوم و کاخ ایلخانی تخت سلیمان باهدف همبستگی با فرمانروایان ساسانی به عنوان سطح اول مشروع سازی قدرت و احداث معابد بودائی، کلیساها و مساجد، هم‌زمان با کشمکش و تضاد دائمی فرقه‌های رایج، خود نمونه‌ای از عدم توفیقات ارغون و جانشینانش در ادامه رویکردهای مشروعیت طلبی، در سطح دوم می‌باشد. پیوند ارکان اصلی قدرت در عهد مسلمانی ایلخانان در سطح سوم مشروعیت در مهم‌ترین بناهای شاهانه‌ی این دوره شامل شنب‌غازان (مصادق پیوند قدرت سیاسی و مذهب)، ربع رشیدی (مصادق از قدرت مذهبی و علمی)، ارگ عیشاه و گنبد سلطانیه (مصادیقی از پیوند تمامی ارکان قدرت با سازماندهی بناهایی از قبیل مساجد جامع و خانقاه، دیوان حکومتی، بازارها و راه‌های تجاری در یک نظام ساختاری)، نشانگر بازتاب گفتمان غالب جامعه ایلخانی در اصول معماری و شهرسازی این دوره است.

کلید واژه‌ها: گفتمان قدرت و هنر، معماری ایلخانی، ارکان قدرت، دیوید بیتهم.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

فیضی، فرزاد؛ شهبازی شیران، حبیب (بهار ۱۴۰۲). «تحلیل گفتمان قدرت و هنر در آثار معماری دوره ایلخانی بر اساس نظریه مشروع سازی قدرت دیوید بیتهم». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال ۶، شماره ۱، پیاپی ۲۱، صص ۴۸-۱۵.

۱. دکتری باستان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. ایمیل: farzadfezyi92@gmail.com

۲. دانشیار، گروه باستان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. ایمیل: habibshahbazi35@gmail.com

© ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

امروزه در مطالعات تاریخی و هنر دوره‌های مختلف تقریباً ثابت شده است که حوزه‌های مختلف تاریخی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... مستقل از هم نیستند و نمی‌توان آن‌ها را به‌طور کامل از هم جدا کرد و هر برخورد یک‌سونگرانه با گذشته هنر سرزمین‌های مختلف، نتیجه‌ای ناقص حاصل خواهد کرد (موسوی، ۱۳۹۶: ۲۲۹ - ۲۳۱). بازتاب جریان‌ها و حوادث دوره‌های مختلف تاریخی در هنرهای آن دوره و ارتباط متقابل گونه‌ها و سبک‌های هنری با رویدادهای جامعه‌ی معاصر خلق اثر در بین اکثر پژوهشگران تاریخ و جامعه‌شناسی هنر امری پذیرفته‌شده است. بر این اساس آثار هنری همانند آینه‌ای اتفاقات جامعه را در خود منعکس می‌کنند (راوودراد، ۱۳۸۶: ۷۵). در بسیاری از تحقیقات در مطالعه ارتباط هنرهای مختلف و جامعه، بیشتر هنرهای صناعی مدنظر بوده و هنر معماری در این مطالعات جایگاه چندانی نداشته است. درحالی‌که بناها معمولاً افزون بر کاربرد بنا گونه‌شان دارای کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستند که بخشی از این کارکردها لزوماً برگرفته از سازه‌ها و ساختارهای ساختمانی آن‌ها نیست، بلکه در پیچ‌وتاب تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و موقعیتی به دست می‌آید (ساسانی، ۱۳۸۹: ۶۸ - ۷۰: سجودی، ۱۳۹۸: ۱۹۴).

هدف پژوهش حاضر مطالعه و تحلیل گفتمان قدرت و هنر در آثار معماری دوره ایلخانی است. آثار معماری این دوره معمولاً از منظر گونه‌شناسی و بررسی‌های فنی مدنظر محققین بوده و یا در بررسی‌های معناشناسی با پیروی از رویکردهای سنت‌گرایی و عرفانی، نتایجی یک‌جانبه از مفاهیم بناهای سترگ و شاهانه به دست آورده‌اند. نگارندگان برای تبیین بهتر موضوع و درک مقوله ارتباط ارکان اصلی قدرت شامل قدرت سیاسی، قدرت مذهبی و قدرت اقتصادی با آثار معماری و شهرسازی دوره ایلخانی و نحوه‌ی بازتاب این ارکان در عناصر ساختمانی بناها و سازمان‌های فضایی آن‌ها، از نظریه مشروع‌سازی قدرت دیوید بیتهم بهره خواهند جست. از همین رو نگارندگان به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی هستند که تحولات سیاسی و اجتماعی دوره ایلخانی و روند مشروع‌سازی قدرت ایلخانان در ایران به چه نحوی در آثار معماری این دوره نمود و بازتاب یافته است؟ روابط آثار معماری با ارکان اصلی قدرت (سیاسی، مذهبی، اقتصادی) به چه صورت بوده و آیا می‌توان از لحاظ ابعاد اجتماعی و معنایی، این آثار معماری را مصادیقی از تحولات و گفتمان قدرت دانست؟ به اعتقاد نگارندگان مطالعه نقش‌های غیرساختمانی بناها با اتکا بر نظریات جامعه‌شناسی هنر به‌صورت اعم و آثار معماری ایلخانی به‌صورت اخص، زوایای جدیدی از گفتمان و بده‌بستان مفهومی بین این آثار شاهانه و عناصر قدرت‌ساز در جامعه را آشکار خواهد کرد. نگارندگان با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعه تفسیری و تاریخی منابع و گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی به دنبال پاسخ‌گویی به مسئله و سؤال پژوهش می‌باشند.

۲. روش پژوهش

روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی و تفسیری است و داده‌های موردنظر از طریق منابع کتابخانه‌ای و بررسی‌ها و مشاهدات میدانی تهیه شده است. برای درک بهتر گفتمان موجود در معماری و لایه‌های معنایی آن، از نظریه‌ی مشروع سازی قدرت دیوید بیتهم بهره گرفته شده است؛ از همین رو داده‌های معماری این دوره و منابع تاریخی دست‌اول مرتبطاً، با اتکا بر مفاهیم نظری مورد استفاده در تحقیق، برای نیل به اهداف موردنظر پژوهش، به صورت هم‌زمان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند.

۳. پیشینه پژوهش

مطالعه، بررسی، گونه‌شناسی و سبک‌شناسی‌های زیادی از معماری دوره ایلخانی صورت گرفته است. در مورد معماری دوره ایلخانی و باستان‌شناسی این دوره بیش از همه پژوهشگرانی چون (ویلیز، ۱۳۶۵)، (اتینگهاوزن و همکاران، ۱۳۹۷)، (Biran, 2013)، (آجرلو، ۱۳۸۹)، شکاری‌نیری (۱۳۸۴) و میرفتاح (۱۳۷۴) کاوش، تحقیق و مطالعه داشته و یافته‌های خود را در قالب کتاب، مقاله و گزارش به چاپ رسانیده‌اند. از کارهای علمی صورت گرفته که می‌توان به‌عنوان پیش‌زمینه پژوهش حاضر از آن‌ها یاد کرد، دو پایان‌نامه زیر هستند:

نویسنده پایان‌نامه «گفتمان ایرانشهری در هنر دوره ایلخانی» به تحلیل گفتمان هنر دوره ایلخانی پرداخته و نتیجه گرفته هنر دوره ایلخانی برساخته گفتمان اندیشه ایرانشهری است. (بختیاری فرد، ۱۳۹۵). این نتیجه‌گیری قطعاً نمی‌تواند کامل باشد، چون می‌دانیم مغول‌ها اداره دیوان‌سالاری را به نخبگان ایرانی سپردند، اما بر اداره آن نظارت دقیق داشتند و بنا بر اهداف سیاسی، مشروعیت خواهی، کسب اقتدار - نه قدرت - عمل می‌نمودند و هرجایی این نخبگان را سد راهی برای اهداف خود دیدند، در حذف آن از وزارت و رأس امور تردید نکردند که نمونه آن خواهی رشیدالدین فضل‌الله می‌باشد. همچنین باید در نظر داشت در این دوره و پس از ایجاد ارتباط گسترده بین شرق و غرب، فنون و اندیشه‌های گوناگون با سرعت بیشتری در بین سرزمین‌ها در حال سیر و تبادل بود.

شکر پور در پایان‌نامه‌ی «رابطه میان قدرت و هنر در عصر ایلخانی (مطالعه موردی: کتیبه‌های معماری دوره ایلخانی)»، نتایج متفاوت‌تری نسبت به رساله فوق به دست آورده و با بررسی کتیبه‌های چهار بنای مسجد جامع اشترجان، بقعه پیربکران، گنبد سلطانیه و محراب اولجایتو، به این نتیجه رسیده که کتیبه‌ها اعم از مذهبی و غیرمذهبی در جهت مقاصد خاص خوانین ایلخانی بوده و نشانگر ابعاد مختلفی از مبانی حکومتی هستند (شکرپور، ۱۳۹۳).

با وجود مطالعات زیاد هنوز رابطه میان قدرت در دوره ایلخانی و معماری و سایر هنرها به خوبی آشکار نشده است. در مطالعه برخی از بناها مانند گنبد سلطانیه استفاده‌ی صرف از رویکردهای سنت‌گرایی (سلیمانیان، ۱۳۸۸: ۶۷؛ سیاه کوهیان، ۱۳۹۲: ۵۳)، نتایجی یک‌جانبه به عمل آورده و تأثیر شرایط مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را نادیده گرفته است. بدین ترتیب در پژوهش حاضر سعی خواهد شد، با نگاهی جدید به معماری ایلخانی، گفتمان میان قدرت و هنر در معماری این دوره با اتکا بر نظریه مشروع‌سازی قدرت دیوید بیتهم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۴. چهارچوب مفهومی پژوهش

۴.۱. گفتمان قدرت و هنر

سه رویکرد اصلی در مطالعه جامعه‌شناسی معرفت وجود دارد که مطابق با آن، سه رویکرد نسبت به هنر نیز می‌توان تشخیص داد. این رویکردها شامل رویکرد فلسفی، رویکرد جامعه‌شناختی و رویکرد فلسفی - جامعه‌شناختی به معرفت می‌باشد (Tavakol, 1987: 20 - 40). اولین رویکرد، مبنای وجودشناسی برای معرفت قائل است و هرگونه ارتباط بین علیت اجتماعی و معرفت‌ها را رد می‌کند (توسلی، ۱۳۹۱: ۵۹). این رویکرد به دلیل عدم قبول هرگونه رابطه بین آثار هنری و شرایط اجتماعی هم‌زمان آن‌ها، فاقد بعد جامعه‌شناختی است. رویکرد دوم ریشه در دیدگاه‌های ماتریالیسم و پراگماتیسم دارد و شامل جامعه‌شناسی می‌شود که معتقدند جامعه همچون علیت اجتماعی، برای معارف عمل می‌کند و تمامی این معرفت‌ها تا حدود زیادی در شرایط ویژه اجتماعی و برای آن جامعه است که ایجاد می‌شوند (Tavakol, 1987: 61).

در حوزه جامعه‌شناسی هنر، بیشتر جامعه‌شناسان در رویکرد دوم قرار می‌گیرند و نویسندگان پژوهش حاضر نیز از مبانی پژوهشی ایشان بهره خواهند جست. در این رویکرد، برای درک آثار هنری، باید اوضاع اقتصادی و اجتماعی را که اثر هنری در آن خلق شده، بشناسیم. جایگاه اجتماعی هنرمند به همراه وضعیت جامعه نقش بسیاری مهمی در خلق و چگونگی اثر هنری دارد. در این رویکرد هنرها مانند آینه‌ای اوضاع زمانه‌ی خود را بازتاب می‌دهند. طبق این رویکرد سبک‌ها و مضامین هنری، در ارتباط با تأثیرات شرایط اجتماعی مختلف بر هنر به وجود آمده‌اند (Hauser, 1982). رویکرد سوم متأثر از رویکرد معرفتی ماکس شلر^۱ است. او اگرچه به وجود و غایت پرداخته، اساساً بر خود معرفت تأکید کرده و سعی دارد نظریه عینی در زمینه خود معرفت ارائه بدهد. از نظر وی هیچ یک از موارد جامعه یا معرفت، علت دیگری نیستند، بلکه معرفت به‌صورت ذاتی و ناب موجود است (Tavakol, 1987: 35). نظریه شلر مخالف تاریخ‌گرایی و نسبیت‌گرایی است (Scheler, 1980: 25 - 30).

^۱. Max Scheler

در یک تقسیم بندی کلی می توان دو حالت را برای بررسی روابط متقابل بین جامعه و اثر هنری در نظر گرفت. الف: رویکرد شکل دهی^۱: این روند تأثیراتی که هنر بر جامعه می گذارد را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد. از نظر پیروان این رویکرد آثار هنری می تواند به ارزش های اجتماعی شکل دهد و افکاری جدید در اذهان مردم ایجاد کند (Alexander, 2003: 35). ب: رویکرد بازتاب^۲: امروزه ارتباط متقابل بین شیوه ها و سبک های هنری با جامعه و جریانات معاصر خلق اثر در میان اغلب صاحب نظران این حوزه امری پذیرفته شده است. بر این اساس آثار هنری همانند آینه ای اتفاقات جامعه را در خود منعکس می کنند و در اغلب موارد واقعیات را به صورت نمادین و رمزگونه بیان می دارند (راو دراد، ۱۳۸۶: ۷۵). طبق رویکرد بازتاب، محتوای اثر هنری با ویژگی های تاریخی، اجتماعی و ... هر دوره رابطه ی مستقیم دارد (دوونینو، ۱۳۹۹: ۷۵). در این رویکرد هنرها به صورت آشکار یا غیرمستقیم بیانگر مفاهیم و جریانات مختلف دوره ی تاریخی ای هستند که در آن شکل گرفته و توسعه یافته اند (Alexander, 2003: 21). نگارندگان با نظر به اینکه در دوره های تاریخی و سده های گذشته همانند معماری ایلخانی، حمایت و دستور سلاطین و درباریان نحوه و چگونگی خلق آثار، به ویژه آثار شاهانه را مشخص می کرده است، به تحلیل گفتمان قدرت و هنر در آثار مزبور پرداخته و نحوه بازتاب و نمود مشروعیت طلبی خوانین مغول در آثار مادی را مورد کنکاش قرار خواهند داد.

۲.۴. نظریه مشروع سازی قدرت دیوید بیتهم^۳

اصطلاح مشروعیت مصدر صناعی از ریشه «شرع» است. مشروع بودن در فرهنگ اسلامی یعنی چیزی که موافق با اصول شرع باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۴۲ - ۴۵). معادل این واژه در لاتین *legal, legitimacy* و *legacy* با معانی تقنین، قانونی و میراث است. مشروعیت در واقع توجیه عقلانی اعمال قدرت و سلطه و لزوم اطاعت از حاکم است (عالم، ۱۳۹۸: ۱۰۹ - ۱۰۴).

تقسیم بندی دیوید بیتهم از سطوح مختلف مشروعیت یکی از تقسیم بندی هایی است که می تواند کمک بسیاری به پژوهشگران در بررسی مشروعیت در دوران تاریخی مختلف بکند. بیتهم با نظر داشتن تقسیم بندی های مختلف، به ویژه تقسیم بندی ماکس وبر از قدرت، سه بعد و مرحله برای مشروعیت قدرت قائل می شود که در اکثر جوامع و حکومت ها ظهور کرده است:

۱. سازگاری و انطباق با قواعد مستقر.

۲. توجیه قواعد از طریق مراجعه به باورهای مشترک فرادست و فرودست.

1. *Shaping Approach*

2. *Reflection Approach*

3. *David Beetham's Legitimation of Power theory*

۳. بروز شواهد و مدارک از رضایت تابعان.

در مرحله اول چنانچه قدرت بر طبق قواعد مستقر کسب و اعمال شود، در این صورت می‌توان گفت که اولین گام برای مشروع شدن آن برداشته شده است. این قواعد مانند میثاق‌های غیررسمی ممکن است نانوشته باشند، یا ممکن است در قالب مجموعه قوانین و احکام، جنبه رسمی و مکتوب داشته باشند. مطابق با این قواعد نقطه مقابل مشروعیت، عدم مشروعیت است. قدرت در جایی نامشروع است که با قانون‌شکنی به دست آید، یا به شیوه‌ای اعمال شود که برخلاف یا ناقض قوانین باشد.

در مرحله دوم قدرت تا آن اندازه مشروع است که قواعد قدرت را بتوان برحسب باورهای مشترک تابعان و صاحبان قدرت توجیه کرد. قدرت برای اینکه توجیه شود بایستی از یک منبع معتبر اقتدار سرچشمه بگیرد. این قواعد باید پیش‌بینی کنند آنان که به قدرت می‌رسند، شرایط لازم برای اعمال قدرت را دارند. در نقطه مقابل این بعد در جایی که نتوانند قواعد مربوط به قدرت را بر اساس اعتقادات مشترک توجیه کنند، حاکمان مشروعیت خود را از دست خواهند داد.

در سطح سوم تقسیم‌بندی بیتهم، مشروعیت متضمن ابراز رضایت آشکار و صریح فرودستان نسبت به رابطه‌ی قدرت معینی است که آن‌ها درگیر آن‌اند. این رضایت با اقداماتی که دال بر رضایت‌اند، ابراز می‌گردد. این اعمال و کمک به مشروعیت به دو طریق انجام می‌شود؛ اولاً این اعمال در نزد کسانی که آن‌ها انجام داده‌اند، صرف‌نظر از انگیزه‌هایی که برای انجام این اقدامات داشته‌اند، یک نیروی مقیدکننده ذهنی ایجاد می‌کنند. ثانیاً، چنین اقداماتی برخوردار از یک نیرو و نفوذ نمادین یا اعلامی آشکار و علنی‌اند، زیرا که دلالت بر تأیید و تصدیق صریح موضع قدرتمندان توسط تابعان دارند و قدرتمندان را قادر می‌سازد تا از این فرصت برای به تأیید رساندن مشروعیتشان در نزد طرف‌های سومی که درگیر در این رابطه نیستند، یا آنان که در ابراز و اظهار رضایت هیچ سهم و نقشی نداشته‌اند، استفاده کنند. در این مرحله عکس این موارد نیز صادق است؛ خودداری از اظهار رضایت نیز سبب افول و کاهش مشروعیت خواهد شد. برخی اقدامات از عدم همکاری و مقاومت منفی گرفته تا سرپیچی آشکار و مخالفت ستیزه‌جویانه توسط کسانی که شرایط لازم برای ابراز رضایت را دارند، سبب زوال مشروعیت به میزان متفاوت خواهند شد. این سطح متضاد مشروعیت را می‌توان مشروعیت‌زدایی نامید (بیتهم، ۱۳۹۰: ۳۱ - ۳۷).

۵. معماری دوره ایلخانی از منظر نظریه مشروع‌سازی قدرت

۵.۱. معماری اوایل دوران ایلخانی؛ تلاش خوانین برای کسب سطح اول

مشروعیت

با فروکش کردن تهاجمات نخستین، در دوره ایلخانی بناهای مختلفی با خصایص گوناگون در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران کنونی احداث و یا بازسازی شد که هر کدام به جهت هدف ساخت، یا بهره گیری از ظرفیت های منطقه ای و یا تأثیر اقلیم با یکدیگر متفاوت بودند (ویلبر، ۱۳۶۵: ۳۴؛ Blair & Bloom, 1994: 5).

پس از استقرار مغول ها در ایران اولین ناحیه ای که مورد توجه ایشان قرار گرفت، منطقه آذربایجان و شهر مراغه بود. هرچند اطلاعات زیادی درباره بافت تاریخی مراغه در دوره اسلامی و به خصوص دوره ایلخانی در دست نیست، ولی تردیدی نیست با انتخاب به عنوان پایتختی توسط هلاکوخان، این شهر به یکی از مهم ترین و مترقی ترین شهرهای ایران تبدیل شد (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۳۳۹). هم زمان با ساخت رصدخانه دیوار بلندی به دور شهر کشیده شد. همچنین شهر دروازه های بزرگی داشت که روی چوب هایش ورقه های آهنی کوبیده بودند (نهبیری، ۱۳۸۰: ۳۰۳). رصدخانه ای مراغه تنها مخصوص رصد ستارگان و سیارات نبود، بلکه سازمان علمی مفصلی بود که در آن تقریباً تمام شاخه های علوم تدریس می شد و مشهورترین دانشمندان سده های میانه در آن جمع شده بودند (نصر، ۱۳۹۴: ۷۰).

بدین ترتیب بعد از انتخاب مراغه به عنوان پایتختی، این شهر جای بغداد را در مرکزیت حیات علمی و فرهنگی جهان اسلام گرفت. همان طوری که جایگاه مشروعیت بخشی بغداد طبیعتاً به قراقروم پایتخت مرکزی مغولان واگذار شد. با این تفاوت که به جای مشروعیت اسلام، مشروعیت بر اساس یاسای چنگیزی مطرح بود. بدین صورت که نظام نشانه ای فرهنگی و علمی بغداد با نظام نشانه ای مراغه جابه جا شد و همچنین نظام مشروعیت دهی اسلامی با نظام یاسای چنگیزی جایگزین شد. بدین ترتیب در صورت بندی نظام ساختاری، شهر مراغه در زمان هلاکوخان روابط بینامتنی خود را با بغداد و قراقروم می گشاید و با تأسیس رصدخانه و اخذ جایگاه فرهنگی و علمی در جهان اسلام جانشین بغداد و همنشین قراقروم در روابط بینامتنی متون (سایر آثار معماری و شهرسازی مغولان در سطح کلان) می شود.

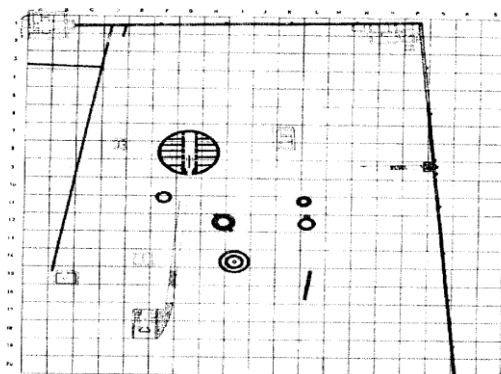
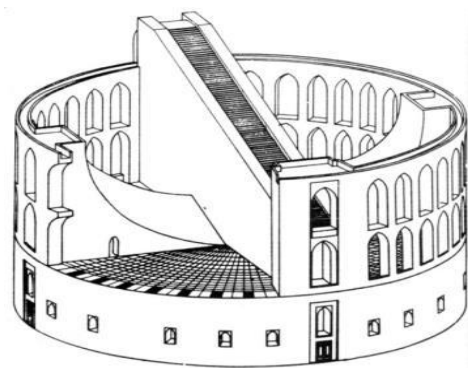
ساخت رصدخانه در شهر مراغه، باعث شد این منطقه به محل مناسبی جهت گردآمدن استادان و شاگردانی که به فعالیت های علمی علاقه نشان می دادند و می خواستند از مزایای مختلف آن استفاده کنند، تبدیل شود. ساختن این رصدخانه شهر مراغه را برای حدود دویست سال به صورت موقری مهم برای فعالیت های علمی در آورد. (آیتی، ۱۳۷۲: ۲۹). در حقیقت هلاکوخان با نیت نشان دادن قدرت فرمانروایی به سرزمین های هم جوار، نسبت به ساخت رصدخانه اقدام کرد. با توجه به موارد ذکر شده، پراهمیت ترین اقدامات سیاسی هلاکوخان در گزینش شهر مراغه به عنوان پایتخت فرمانروایی ایلخانان، موارد ذیل هستند:

گزینش منطقه ای به عنوان پایتخت برای استمرار موضوع مراودات سیاسی، محکم کردن فرمانروایی ایلخانان و به وجود آوردن پیوند با مردم، کوشش برای پیدا کردن هم پیمان و همچنین

منطقه‌ای جهت همکاری نظامی با کشورهای هم‌جوار، جایگاه استراتژیک و مهم مراغه و امکان ارتباط سیاسی با سرزمین‌های آناتولی و بیزانس، سیاست مذهبی ایلخانان و ارتباط راحت با مسیحیان، توانایی چیرگی بر مناطق شام و عراق عرب، جایگاه ستاره‌شناسی و علم به پیشامدهای بعد از ساختن رصدخانه، خواجه نصیرطوسی مهم‌ترین نظریه‌پرداز سیاسی دربار هلاکو بود. وی از جهتی ادامه‌دهنده سنت فلسفه سیاسی یعنی سنتی است که فارابی آن را بنیاد گذاشت و مسکویه رازی و ابن‌سینا در آن پرورش یافتند؛ اما خواجه نصیرطوسی در عین حال چرخشی در این فلسفه ایجاد کرد که آن را به سمت افول سوق داد.

نخستین فلاسفه سیاسی که در زمان اوج‌گیری عقل‌گرایی و رنسانس اسلامی زندگی می‌کردند، عقل و شرع را در یک ردیف قرار می‌دادند و معتقد بودند که آنچه عقل به آن حکم می‌کند شرع نیز به آن حکم می‌کند. آن‌ها شرع را به یاری عقل تفسیر و درک می‌کردند؛ اما خواجه نصیرطوسی استادان خود را مورد نقد قرار داد که به عقل جایگاهی داده‌اند که درخور آن نیست (پولادی، ۱۳۹۸: ۸۹؛ طوسی، ۱۳۳۵: ۳۹). بدین ترتیب با ارزش قائل شدن به شرع، در جهان بینی و اندیشه سیاسی این دوره فضا برای مشروعیت‌طلبی حکام اولیه ایلخانی و استفاده از تقدیرگرایی زمان حمله مساعد شد. بدین ترتیب بازسازی‌های خوششان (قوچان) توسط هلاکو و تجدید بناها و سیستم‌های آبرسانی بغداد (جونی ۱۳۷۰، ۶۲) را نمونه‌هایی از تلاش‌ها در جهت انطباق با قواعد مستقر در ایران - سطح اول مشروعیت - دانست. طبق منابع هلاکو عظاملک جونی را به حکومت عراق منصوب کرد. بنا به گفته مقدمه‌ی تاریخ جهانگشا وی بلافاصله با اصلاح مالیات‌ها، تعمیر کانال‌های آبیاری و رونق دادن تجارت برای احیای بغداد قدم‌های مهمی برداشت (جونی، ۱۳۷۰: ۶۲ - ۲۶۱). با این حال بغداد بعد از سقوط جایگاه سیاسی و معنوی خود را از دست داد و از شهری درجه یک به شهری درجه دو تبدیل شد (رضوی، ۱۳۹۰: ۳۰۶)؛ اما در زمان دیدار مارکوپولو از شهر، با تلاش‌های خاندان جونی، شهر بسیار آبادان بوده و در زمینه صنعت و تجارت فعالیت چشمگیری داشته است (مارکوپولو، ۱۳۵۰: ۳۷). وجود مدارس، خانقاه‌ها و دیگر مراکز مذهبی و جمعیت با مذاهب گوناگون بیش از همه چیز مورد توجه مستوفی قرار گرفته که گفته‌های رشیدالدین نیز آن را تأیید می‌کند (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۳۶ - ۳۷؛ فضل‌الله همدانی، ۱۳۶۲: ۵۴ - ۱۵۳).

با توجه به آنچه آمد، پس از سقوط خلافت عباسی و تغییرات در اندیشه‌های سیاسی جهان اسلام، تأسیس شهر مراغه و رصدخانه تلاشی در جهت خارج شدن از جهان تسنن عباسی و نزدیکی به آنچه حملات مغول‌ها و رواداری مذهبی ایشان فراهم کرده بود، می‌باشد. تدریس دروس گوناگون در فضاهای آموزشی مختلف شهر مراغه و رصدخانه و بازشناسی سازمان فضایی رصدخانه نیز تا حدودی نشان از این امر دارد. (تصویر ۱). در جدول شماره ۱ نحوه‌ی گفتمان قدرت و آثار معماری و حیات شهری مراغه با شهرهای مجاور به صورت تطبیقی آمده است. (جدول ۱).



تصویر ۱: پلان (سمت راست) (منبع: ورجاوند، ۱۳۶۶: ۱۶۹) و طرح بازسازی برج بزرگ رصدخانه مراغه (سمت چپ)، (منبع: شکاری نیری، ۱۳۹۵: ۹۵)

جدول ۱: جزئیات و چگونگی گفتمان قدرت و هنر در شهرها و آثار معماری شاخص ایلخانی (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

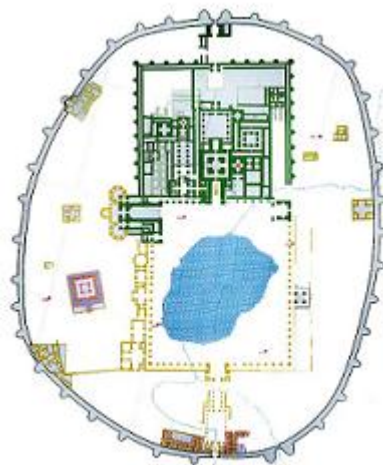
اثر	دوره زمانی	موقعیت	وضعیت اجتماعی و سیاسی	گفتمان هنر و قدرت
مراغه	۶۵۸ تا ۶۸۰	شمال غرب ایران	توقف حملات در غرب، احیای تدریجی حیات شهری و پایان اقتصاد غارتی	جانشینی در عناصر فرهنگی - علمی به جای بغداد با ساخت رصدخانه معروف
مجموعه‌های معماری تبریز	۶۵۸ تا ۷۳۶	شمال غرب ایران	پایتخت ایلخانان از دوره نامسلمانی تا اسلام آوردن ایلخانان، اوج رونق در زمینه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، هنر و ...	همنشینی در ارکان فرهنگی و علمی با مراغه و سپس جانشینی با آن، تمرکز عناصر و ارکان اصلی قدرت در آثار معماری و شهرسازی از جمله قدرت‌های سیاسی، مذهبی و اقتصادی در شنب‌غازان، ربع رشیدی و ارگ علیشاه با زیرمجموعه‌های مختلف
سلطانیه	۷۰۴ تا ۷۱۶	شمال غرب ایران	برقراری صلح و آرامش نسبی در مرزها، تقویت و حضور عنصر شیعه در جامعه	همنشینی با شهر تبریز در عناصر قدرت سیاسی، جانشینی و برتری نسبی در قدرت اقتصادی و مذهبی نسبت به سایر شهرها
بغداد	۶۵۷ تا ۷۳۶	عراق امروزی	افول شهر، احیای شهر توسط خاندان جوینی، آزادی اندیشه و تسامح مذهبی	جانشینی تبریز، مراغه و قراقرم به جای بغداد در عناصر قدرت‌ساز فرهنگی - مذهبی، اقتصادی و سیاسی
قراقرم	۶۵۴ تا ۶۹۳	مغولستان مرکزی	انباشت ثروت‌های حاصل از حملات به سرزمین‌های مجاور و افزایش جمعیت، گرایش به مذاهب بودائی و مسیحی	جانشینی به جای بغداد در مشروعیت دهی به سلاطین (قدرت مذهبی) و همنشینی با تبریز در ارکان سیاسی و اقتصادی

اثر	دوره زمانی	موقعیت	وضعیت اجتماعی و سیاسی	گفتمان هنر و قدرت
پکن	۶۹۳ تا ۷۳۶	جنوب چین	فتوحات قویبیلائی و تشکیل سلسله‌ی مغولی یوان، بنیان‌گذاری تشکیلات بر پایه‌ی سنن و شیوه-امپراتوری می‌شود	بعد از مرگ قویبیلائی و در زمان غازان، شهر تبریز در تمامی ارکان قدرت جانشین مرکز امپراتوری می‌شود

۵. ۱. ۱. کاخ آباخان در تخت سلیمان؛ تداوم رویکردهای مشروعیت‌طلبی

سطح اول

این منطقه که هم‌اکنون با اسم تخت سلیمان شناخته می‌شود، در بخش جنوب‌شرقی دریاچه ارومیه و در استان آذربایجان غربی واقع شده است. این مجموعه ساسانی در اصل به‌عنوان شکارگاه تابستانی آباخان بوده و به گفته‌ی مستوفی به آن ستوربوق می‌گفتند (ویلبِر، ۱۳۶۵: ۱۲۲). کاوش‌های باستان‌شناسی این محل در سال ۱۳۳۸ ه.ش و به سرپرستی دکتر کورت اردمان و دکتر اریش بوهرنیگر از آلمان شروع شد و در سال ۱۳۳۹ ه.ش به سرپرستی رودلف ناومان ادامه یافت (کلایس، ۱۳۴۸: ۳۶۱). (تصویر شماره ۲).



تصویر ۲: نمایی هوایی از مجموعه تخت سلیمان (سمت چپ) (منبع: پایگاه پژوهشی تخت سلیمان) و پلان کلی آن (سمت راست)، (منبع: جعفری، ۱۳۸۴: ۲۹)

پی بناهای ایلخانی بر پایه های بنای یک پرستشگاه از دوره ساسانی قرار دارد. یک باغ و بوستان بزرگ به ابعاد ۱۲۵×۱۵۰ متر در جهت شمالی- جنوبی قرار گرفته است و تالاری در آن قرار دارد. گرداگرد بنا چهار ایوانه است. تخت سلیمان قلعه - شهری است که حدوداً ۲۰ متر نسبت به زمین های اطراف ارتفاع دارد و بزرگی و وسعت آن به حدود ۱۲۰۰۰ متر می رسد. طول یکی از حصارهای این بنا، ۱۱۲۰ متر است. ۴ برج در دروازه ها و ۳۴ برج در کل بنا ساخته شده است که با این احتساب تعداد برج های تخت سلیمان به ۳۸ عدد می رسد. حصار قلعه به شکل بیضی ساخته شده که قطرهایی به ابعاد ۳۶۰ و ۳۰۰ متر دارد (گرایر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲۶).

انتخاب مکان بنای این کاخ که زمانی محل تاج گذاری فرمانروایان ساسانی بوده است، شیوه ای است که ایلخانان بتوانند در جهت اثبات پیوستگی خود به شاهان ایران باستان گام بردارند. چنانچه نخستین نیت سیاسی آباقاخان از ساخت قصر خویش در این منطقه، کسب مشروعیت و همچنین نشان دادن قوای خود با برهان نسبت دادن خود به فرمانروایان ایران پیش از اسلام بوده است. وجود اشعار و تصاویر زنده از شاهنامه فردوسی که روی مرغوب ترین کاشی های قصر نقش شده اند، دلیل قاطعی است که تبلیغ و ادعای هم تراز با فرمانروایان پیش از اسلام توسط ایلخانان را تأیید می کند. از آنجایی که مدت پادشاهی آباقاخان کوتاه بود، یحتمل از تخت سلیمان در عصر ایلخانان صرفاً به عنوان یک کاخ تابستانی، آن هم برای زمانی کوتاه استفاده کرده است (گرایر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲۷). موضوع پراهمیت این است که تعدادی از کاشی های این قصر که داستان های شاهنامه را روایت می کنند، بیانگر این مسئله هستند که ایلخانان با گزینش این نوع تزئین جهت ایجاد همبستگی بین خود و فرمانروایان ساسانی تلاش کردند و در جهت ایجاد پیوندی بین خود و شاهنشاهان ساسانی و کسب مشروعیت نخستین بودند. (تصویر شماره ۳).



تصویر ۳: کاشی های با موضوع روایتی و شاهنامه در کاخ ایلخانی تخت سلیمان (منبع: شکرپور و همکاران،

۵.۲. معماری اواسط دوران ایلخانی؛ عدم موفقیت خوانین ایلخانی در پیشبرد

اهداف توجیهی خود

در پی تحولات پس از مرگ آباقاخان مذاهب مختلفی در قلمرو ایلخانان به صورت رقابتی ظهور کردند. پیروان ادیان مسیحی، یهودی، بودائی، اسلام و سایر فرق در این دوره هر کدام در مقطعی فرصت ظهور و گسترش یافتند و در حال کشمکش و تضاد دائمی با یکدیگر بودند (بیانی، ۱۳۸۱: ۳۷۳ - ۴۳۶). طبق منابع مختلف، کلیساها و معابد مختلفی در شهرهای ایران بنا شد. مساجد، کلیساها، معابد، پرستشگاه‌ها و ... نشان از عدم موفقیت خوانین ایلخانی در پیشبرد اهداف توجیهی خود دارد. آثار معماری چشمگیری از این دوره باقی نمانده ولی از طریق منابع مکتوب می‌توان از مشخصات کلی مجموعه ارغونیه آگاه شد. احداث مجموعه ارغونیه در عصر ارغون (۶۸۳ - ۶۹۰ ه.ق) آغاز و در زمان غازان (۶۹۴ - ۷۰۳ ه.ق) تکمیل شد.

این مجموعه اولین نمونه معماری شهری ایلخانی است که پیرو فرهنگ ایلی، بر پایه‌ی ساختار شهر - مرتع است. برگزیدن مکان شنب در غرب تبریز برای بنای ارغونیه در سال ۶۸۹ ه.ق نخستین حرکت حکومت ایلخانی برای پیشرفت در شهرک‌سازی است. بنای ارغونیه با وجود تمام عایداتی که برای بودائی‌ها و بت‌پرستان داشت و حتی با وجود چهره ارغون بر دیوارهای آن، سرانجام توسط محمود غازان از بین رفت (مشکور، ۱۳۵۲: ۴۵۰). فضل‌الله همدانی نیز در این مورد نوشته است که ارغون به ساخت بناهای بزرگ علاقه داشت؛ بنابراین در منطقه شم تبریز شهری بسیار بزرگ ساخت و جهت رواج تجارت و آبادانی منطقه، مردم را به ساخت خانه در آن محل ترغیب کرد (فضل‌الله همدانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۱۷۳):

بنابراین، بنیاد شهر ارغونیه و بنای معبدهای بودائی و شمنی آن هم‌زمان با کشمکش و تضاد دائمی فرقه‌های مختلف، خود نمونه‌ای از عدم توفیقات ارغون در ادامه‌ی رویکردهای مشروعیت‌طلبی آباقاخان می‌باشد. در نبود آثار معماری از این دوره، سکه‌ها این عدم توفیق در پیشبرد سطح دوم مشروعیت را نشان می‌دهند؛ در تعدادی از سکه‌های ارغون (۶۹۰ - ۶۸۳ ه.ق) عباراتی چون «بسم الاب و الابن»، «روح‌القدس» و علامت صلیب در کنار عبارات اسلامی دیده می‌شود. در پشت سکه‌ها نیز علاوه بر عناوین «قآن» اسم خان ایلخانی به خط اویغوری (Ariba) نوشته شده است. (علاءالدینی، ۱۳۹۷: ۲۵). این دوره در واقع سطح دوم از فرآیند کسب مشروعیت قدرت دیوید بیتهم را شامل می‌شود. از خصایص این سطح توجیه‌پذیری قواعد برحسب اعتقادات مشترک است که با اختلاف میان قواعد و باورهای حمایت‌کننده و فقدان اعتقادات مشترک پس از سطح اول مشروعیت همراه هست (بیتهم، ۱۳۹۰: ۳۷). در این مرحله اگر حکومت نتواند قواعد مربوط به قدرت را بر اساس اعتقادات مشترک توجیه کند، مشروعیت خود را از دست خواهد داد (بیتهم، ۱۳۹۰: ۳۳).

از نمودهای فقدان مشترکات اعتقادی، ضرب سکه‌ها با مضامین مسیحی (ترابی طباطبائی، ۱۳۴۷: ۱۸ - ۱۹) استفاده از نمادهای یهودی مانند نقش ستاره داوود، ظهور یک سکه با نوشتار «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» در زمان ارغون و تصاویر ستاره‌های شش پر به تائی از دوره‌های قبل و همچنین ادامه درج اسم قآن (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۸: ۲۱۵ - ۲۱۷) در سکه‌ها می‌باشد. با توجه به آنچه آمد و به دلیل عدم توفیقات در کسب مشروعیت سطح دوم، اسلام آوردن غازان برای جلوگیری از فروپاشی و سلب کامل مشروعیت، ضروری و اجتناب‌ناپذیر بود.

۵.۳. معماری عهد مسلمانی ایلخانان؛ بروز شواهد و مدارک از رضایت تابعان

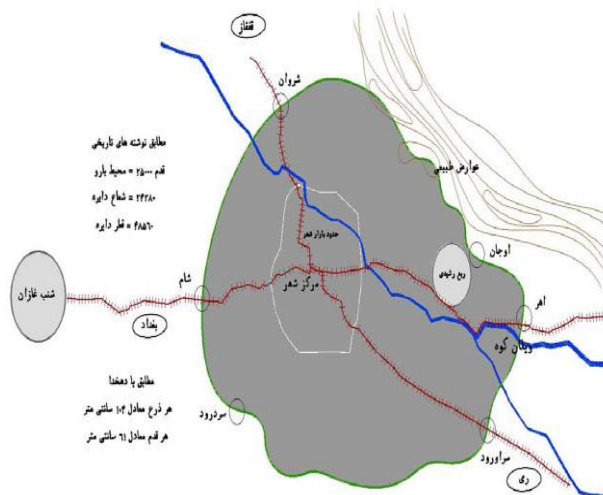
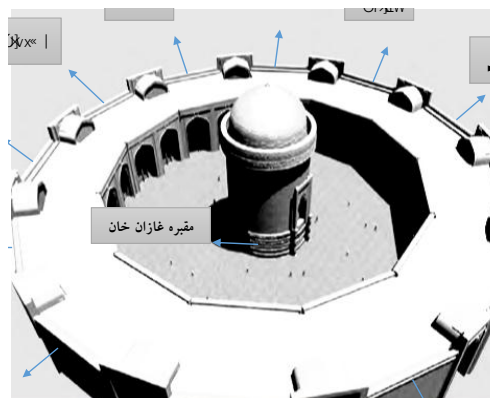
و سطح سوم مشروعیت

بعد از مسلمان شدن غازان خان، سلطنت سلطان رسماً مشروعیت یافت و می‌توان عنوان سلطان - خلیفه را در مورد سلاطین مسلمان ایلخانی به کاربرد (طباطبائی، ۱۳۹۵: ۸۰). غازان خان نیز بنا به گفته رشیدالدین نقش به سزایی در اصلاحات این دوره داشت (فضل‌الله همدانی، ۱۳۶۲: ۱۰۴۴). گرایش به ایجاد نوعی سازگاری بین یاسای مغولی و فقه اسلامی، ویژگی کلی سیاست داخلی غازان را تشکیل می‌داد (بویل، ۱۳۹۷: ۱۸۸ - ۱۹۳؛ پطروشفسکی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰). با این کار غازان وحدت فرهنگی میان حاکم و توده ایجاد و زمینه‌های نزدیکی دین و سیاست مهیا شد. از مصادیق پیوند دین با سیاست می‌توان به نظام وقف (امری مذهبی) و حمایت دولت از آن (امری سیاسی) اشاره کرد (کریمیان و مهدی زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۵ - ۱۶۵).

از ابداعات نوین در زمینه شهرسازی دوره غازان، رواج یافتن پدیده ابواب البر هست که با الهام از بقاع ائمه اطهار و بزرگان دینی در ایران و به‌خصوص شهر تبریز رواج یافت (شکاری‌نیری، ۱۳۸۴: ۷۶). طبق گفته‌ی رشیدالدین، غازان خان در سال ۶۹۶ ه.ق در میان باغ عادلیه ساخت قبه‌ی عالی شم (شنبه) را شروع کرد که از تبریز قدیم بزرگ‌تر شد (فضل‌الله همدانی، ۱۳۶۲: ۱۲۸۲). و صاف تاریخ شروع مجموعه را ۶۹۷ ه.ق و تاریخ اتمام آن را ۷۰۲ ه.ق ذکر می‌کند (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۳۰). رشیدالدین به‌جز گنبد عالی، بناهای مجموعه را ۱۲ مورد می‌شمارد که در دوازده ضلع گنبد قرار گرفته‌اند و شامل مسجد جامع، مدارس شافعیه و حنفیه، خانقاه، دارالسیاده، رصدخانه، دارالشفاء، بیت‌المکتب، بیت‌القانون، بیت‌المتولی، حوضخانه و گرمابه سبیل می‌شود (فضل‌الله همدانی، ۱۳۶۲: ۴ - ۱۳۷۸).

محققان با مقایسه مدارک تاریخی، پلان خود بقعه را به شکل مربع یا مدور دانسته‌اند که دورتادور آن را مجموعه بناهای ۱۲ گانه با کارکردهای مختلف در برگرفته بودند (شکاری‌نیری، ۱۳۸۴: ۷۹). قسمت‌های مختلف بقعه و بناهای پیرامونی در تصویر زیر بازنمایی شده است (تصویر شماره ۴). در اینجا قرار گرفتن عناصری چون مسجد جامع، مدارس با مذاهب شافعی و حنفی، بیت-

القانون و ... به‌عنوان زیرمجموعه‌های عنصر مذهب و قرار گرفتن آرامگاه سلطان در مرکز به‌عنوان مهم‌ترین عنصر، مصداقی از پیوند قدرت سیاسی و مذهب بوده که غازان خان با نهایت تدبیر سعی در به‌انحصار درآوردن آن‌ها در دستگاه دولت و شخص خود داشت. در واقع بعد از فروپاشی خلافت و ایجاد نوعی خلأ در بین توده مردم، غازان خان با نظریه‌پردازی خواجه رشیدالدین نموده‌ای پیوند قدرت سیاسی و مذهبی را در بناهای خود به منصف ظهور رسانده که عناصر مختلف شنب‌غازان را می‌توان نمونه‌ای از آن دانست. مجموعه بناهای دوازده‌گانه در اطراف مقبره نیز ممکن است تحت تأثیر گرایش‌های شیعی غازان خان تأسیس شده باشد. در اینجا مقبره‌ی اسلامی سلطان ایلخانی پیوند دو مقوله‌ی سیاست و مذهب را نشان می‌دهد که می‌توان از منظر جامعه‌شناسی هنر و رویکرد بازتاب آن را تأثیر عناصر قدرت‌ساز و اندیشه سیاسی جدید جامعه ایلخانی بر فرم و سازمان فضایی شهرک شنب‌غازان قلمداد کرد.



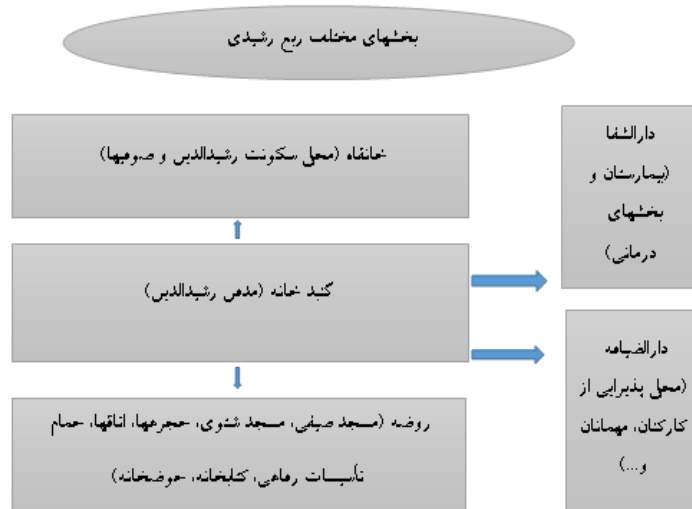
تصویر ۴: بازنمایی طرح شنب‌غازان بر اساس جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله (سمت چپ) (نگارندگان، ۱۴۰۱، برگرفته از فضل‌الله همدانی، ۱۳۶۲: ۱۱۷ - ۱۳۷۳)؛ موقعیت مکانی شنب‌غازان در مراتع غربی تبریز در بیرون از باروی غازانی (سمت راست) (بلیلان اصل و ستارزاده، ۱۳۹۳: ۶۲)

ساخت شب‌غازان در مراتع غربی شهر تبریز با باروی جداگانه و محلات مختلف، نمونه‌ای از شهرک‌های اقماری با باروی متفاوت در بیرون از شهر در قسمت غربی و نشانگر سیاستی خاص در انتخاب مکانی جهت نمایش سلطه‌ی حکومت ایلخانی است. در انتخاب مراتع غربی تبریز برای ایجاد شهرکی جدید همچنان گرایش‌های گریز از مرکز و آموزه‌های یاسای مغولی در جهت دوری از شهرها و نزدیکی به زندگی چادرنشینی دیده می‌شود (تصویر ۴، سمت راست). با توجه به موقعیت قرارگیری شهرک، می‌توان گفت غازانیه در زمینه تجارت بین‌المللی حائز اهمیت بوده است و چه بسا در مسیرهای تجاری غازانیه به غرب، فرهنگ‌ها و فنون و روش‌های هنری مختلف نیز تبادل می‌شده است. بدین ترتیب در شهرک غازانیه عناصر و ارکان قدرت سیاسی، مذهبی و تجارت خارجی گرد هم آمده‌اند و بازتابی از همگرایی قدرت سیاسی و مذهبی پس از اسلام آوردن غازان هستند.

۵.۳.۱. ربع رشیدی

رشیدالدین فضل‌الله وزیر نام‌آور غازان خان که اندیشه‌هایش تحت تأثیر اعتقادات اسلامی، سنت‌های ایرانی و قوانین مغولی شکل گرفته بود، نقشه‌های بزرگی برای انجام اصلاحات در ایران داشت. اندیشه تأسیس مجتمع علمی - فرهنگی ربع رشیدی نقطه اوج این اصلاح‌طلبی بود. طبق متون وقفنامه ربع رشیدی، این شهرک شامل ۴ بخش اصلی و ۱۲ بخش فرعی بوده که بخش‌های اصلی آن شامل روضه، خانقاه، دارالضیافه و دارالشفاء می‌باشد. روضه دارای چهار ایوان بوده و مهم‌ترین بخش ربع را تشکیل می‌داده است. این بخش شامل مساجد تابستانی (صفه صدر) و صفه زمستانی، صحن و حوض آب بوده است. همچنین بخش‌هایی به‌عنوان بیت‌التعلیم ایتام، دارالمصاحف، کتب‌الحدیث، مقبره، حجره‌ها، سراچه‌ها و فضاهای جانبی در آن قرار داشت (بروشکی، ۱۳۶۵: ۴۱ - ۶۵). به گفته‌ی حمدالله مستوفی ربع رشیدی عظیم‌ترین بنیاد خیریه‌ای بوده که به‌صورت شهرکی در تبریز ساخته شده است (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۸۵). مهم‌ترین هدف ایجاد ربع رشیدی ایجاد مجتمع عظیم علمی - آموزشی با توجه به سقوط بغداد و پایتختی تبریز به فراخور موقعیت اجتماعی روزگار خود بوده است (کریمیان و مهدی زاده، ۱۳۹۶: ۸۳).

به این ترتیب ربع رشیدی نمونه‌ی بارزی از پیوند وقف به‌عنوان امری مذهبی و شهرسازی است. این مجموعه با جمع‌آوری دانشمندان و امکانات علمی و آموزشی در خود به نماد و مظهری از پایگاه علمی امپراتوری تبدیل می‌شود و در نشانگی عنصر مذهب و فرهنگ از شب‌غازان پیشی می‌گیرد و یا به بیانی دیگر وارد رابطه‌ی هم‌نشینی با شب‌غازان در عنصر فرهنگی و مذهبی می‌شود. در نمودار پایین قسمت‌های مختلف ربع رشیدی و چگونگی آرایش بخش‌های مختلف حول محور مجموعه‌های مذهبی از جمله گنبد خانه (مدفن رشیدالدین) و خانقاه نشان داده شده است (تصویر شماره ۵).



تصویر ۵: قسمت‌های مختلف ربع رشیدی (نگارندگان، ۱۴۰۱، برگرفته از فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۶: ۱۱۸ - ۲۱۶)

ربع رشیدی علاوه بر فعالیت‌های دینی و فرهنگی، ناحیه‌ی مسکونی طبقه‌ی نخبگان بوده (آجرلو، ۱۳۹۳: ۱) و نیز بعد از زلزله‌ی سال ۶۷۱ ه.ق برای تقویت هویت اجتماعی و اقتصادی تبریز احداث گشته است (حبیب، ۱۳۸۹: ۹۶) با این اوصاف شهرک رشیدیه در واقع شهر آرمانی رشیدالدین فضل‌الله هست که طبق اندیشه‌های ایرانی‌شهری و شریعت اسلامی‌اش در حوزه فلسفه سیاسی، سعی در راه‌اندازی آن داشته است. اقتصاد شهرستان رشیدی وابسته به روستاها و باغات اطراف بوده (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۱۶) و برخلاف شنب‌غازان از حیث اقتصاد داخلی حائز اهمیت بوده و به‌نوعی دارای خودکفایی اقتصادی بوده است. به اعتقاد برخی، هدف رشیدالدین از احداث باغ‌ها و کوشک‌ها و سراهای پراکنده در میان آن‌ها، تجسم زمینی جنت اعلی و رضوان الهی و نیز بازآفرینی قصر خورنق بهرام گور بوده (آجرلو، ۱۳۹۳: ۱۱) که این خود باز مصداقی از پیوند اندیشه‌های ایرانی‌شهری و شریعت اسلامی خواجه در شهرک رشیدی است. هرچند به‌احتمال زیاد ایجاد باغات در اطراف شهرک در راستای حمایت از باغ و بوستان‌سازی مغولان در اطراف شهرها نیز می‌تواند باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت چیدمان فضاهای شنب‌غازان و رشیدیه حاصل نظام‌های گفتمانی زیر است:

۱. سبک معماری ایرانی و اندیشه‌های ایرانی‌شهری ۲. آموزه‌های یاسا؛ مانند قرار گرفتن در بیرون از بافت اصلی شهر، ایجاد باغ و بوستان در اطراف شهرک‌ها، اهمیت اردو بازارهای اطراف شهرک‌ها ۳. تأثیر از مکاتب بومی و محلی آذربایجان. نظام‌های گفتمانی نامبرده در واقع وارد یک نوع مذاکره در

قدرت های سیاسی، مذهبی و اقتصادی شده اند که چگونگی آن در فرم ها و فضاهای مجموعه بناها قابل ردیابی است.

۵.۳.۲. ارگ علیشاه

ارگ علیشاه بین سال های ۷۱۶ تا ۷۲۴ ه.ق به وسیله تاج الدین علیشاه وزیر اولجایتو و ابوسعید بهادرخان ساخته شد. مجموعه تاج الدین علیشاه شامل مسجد جامع بزرگی بوده که طاقش از ایوان مداین بزرگ تر بود و طبق گفته ی مستوفی چون در بنای آن تعجیل کردند، فروریخت (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۸۷). طبق گفته ابن بطوطه در سمت راست مسجد - مدرسه و در سمت چپ آن زاویه ای وجود داشته و صحن آن با سنگ های مرمر فرش گردیده و دیوارها با کاشی پوشانده شده بود (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۳۳). شکوه زیاد مجموعه قطعاً به این دلیل بوده که در مرکز شهر و در مجاورت راسته اصلی بازار و مسجد جامع شهر ساخته شده و در معرض دید عموم و در بطن تحرکات اجتماعی و تجاری و صنعتی شهر بوده است (خیری و صدراپی، ۱۳۸۱: ۲۵ - ۲۹).

درواقع تاج الدین علیشاه با متمرکز کردن و هم نشینی عناصر و ارکان قدرت ساز؛ مسجد و خانقاه (قدرت مذهبی)، بناهای حکومتی و کاخ ها (قدرت سیاسی) و بازارها (قدرت اقتصادی) در ارگ علیشاه سعی در کم رنگ کردن عملکرد درخشان خواجه رشیدالدین و کسب مشروعیت در نزد سلطان و مردم را داشته است که با مرگ وی اقدامات او نیز ناتمام باقی ماند. اگر قدرت سیاسی، قدرت مذهبی و قدرت اقتصادی را به عنوان اصلی ترین ارکان حکومت ها در نظر بگیریم، ربع رشیدی مصداق پیوند سیاست و مذهب و ربع رشیدی به تنهایی نماد عنصر مذهب خواهند بود؛ اما همه ارکان اصلی قدرت - سیاسی، مذهبی، اقتصادی - در یک نظام ساختاری در مجموعه معماری ارگ علیشاه هم نشین شده اند و کلیت ساختار و شبکه قدرت را بازمی تابانند.

مجاورت مصادیق قدرت سیاسی با مصداق های قدرت مذهبی و اقتصادی در خود بنای ارگ علیشاه به صورت کامل اتفاق نیفتاده، بلکه با عناصری در سطح بزرگ تر و شهر تبریز هم نشین شده و کلیت ساختار قدرت را نمایش داده است؛ بدین صورت که ارگ علیشاه با تأسیس در مجاورت مسجد جامع و راسته ای اصلی بازار شهر، وارد این رابطه ای معنایی شده است؛ هر چند خود مجموعه ارگ علیشاه نیز در سطحی خردتر از عناصری نظیر مسجد، مدرسه و احتمالاً بازار تشکیل یافته بوده است؛ چون تاجری ونیزی حدود دو قرن پس از انقراض ایلخانان به مجموعه ارگ اشاره کرده که از هر سوی شهر قابل دیدن هست و مسلمانان در مسجد آن نماز می گزارند (مشکور، ۱۳۵۲: ۵۰۱ - ۵۰۶) و طبق گفته خواندمیر مجتمع علیشاه تا اوایل دوره صفوی آباد و دایر بوده و مورد استفاده مردم بوده است. در مدرسه ی مجتمع محصلین علوم دینی تحصیل می کرده اند و در مسجد جامع آن نماز جماعت دایر بوده است (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۰۹).

بازرگان ونیزی دربار اوزون حسن که در رکاب شاه اسماعیل بوده است، از کاخ‌های شگفت‌انگیز سلاطین ایلخانی مجموعه علیشاه، محراب و طاق بسیار بلند آن، ارتفاع ستون‌ها و ... سخن رانده است (کانتارینی و زنوکتارینو، ۱۳۸۱: ۳۸۳). با این توصیفات مشاهده می‌شود که هم‌نشینی مصادیق ارکان قدرت در خود مجموعه بنا نیز حضور داشته و منعکس شده است (تصویر شماره ۶).

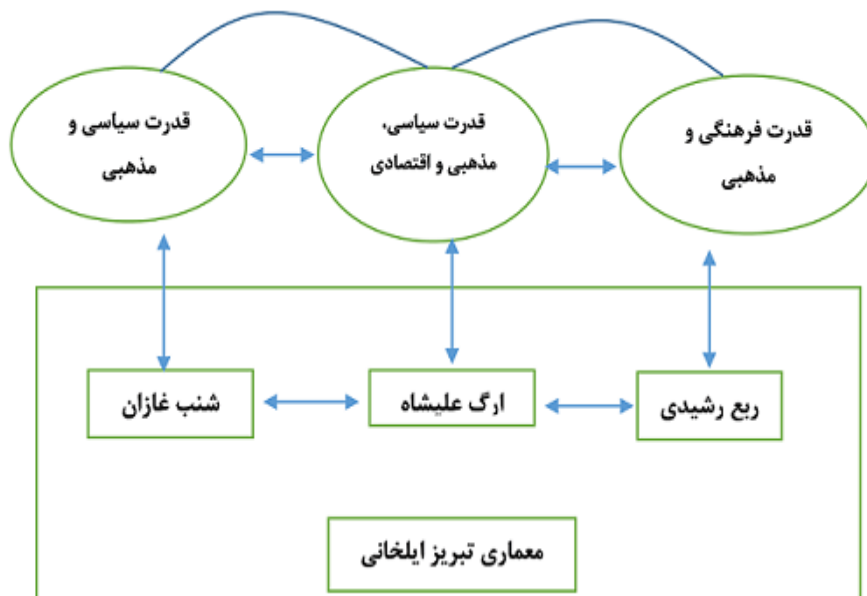


تصویر ۶: بازسازی موقعیت مکانی مجموعه‌های شب‌غازان، ربع رشیدی و علیشاه و نحوه هم‌نشینی با سایر مجموعه‌های تاریخی شهر تبریز در زمان ایلخانی (نگارندگان، ۱۴۰۱: برگرفته از منابع تاریخی؛ موقعیت شب‌غازان برگرفته از فضل‌الله همدانی، ۱۳۶۲: ۱۱۷، ۹۹۷، ۱۱۷۳، ۱۳۷۳؛ ربع رشیدی برگرفته از فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۶: ۲۱ - ۳۲؛ ارگ علیشاه برگرفته از مستوفی، ۱۳۶۲: ۸۷؛ ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۳۳؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۴: ۶۰۰ - ۶۱۰؛ کانتارینی و زنوکتارینو، ۱۳۸۱: ۳۸۳)

در جدول ۲ و تصویر ۷ نحوه ارتباط مجموعه‌های معماری شهر تبریز با ارکان اصلی قدرت و گفتمان بین هنر معماری و حکومت در دوره سوم مشروع‌سازی قدرت ایلخانان مغول در ایران دیده می‌شود.

جدول ۲: نحوه ارتباط مجموعه های معماری شهر تبریز با ارکان اصلی قدرت (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

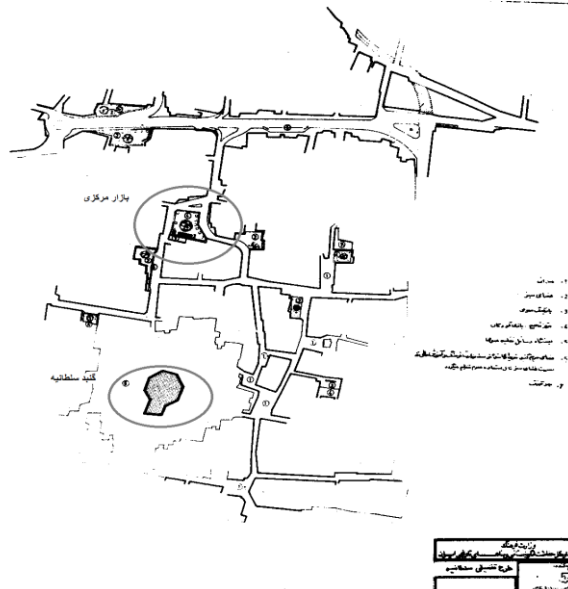
اثر	دوره	موقعیت	وضعیت اجتماعی و سیاسی	روابط با سایر آثار معماری	گفتمان قدرت و هنر
شنب‌غازان	۶۹۶ تا ۷۰۲	غرب تبریز	اوج قدرت ایلخانان، ثبات اقتصادی و سیاسی و در نهایت تثبیت نسبی جایگاه و مشروعیت مغولان در ایران و دارالحکومه	پیوند با ربع رشیدی در شرق تبریز و همچنین اردوهای ایلخان در اطراف تبریز و پیوند با مرکز شهر و دارالحکومه	ترکیب و هم نشینی ارکان قدرت سیاسی (بناهای حکومتی) و مذهب (آرامگاه، خانقاه)
ربع رشیدی	۶۹۹ تا ۷۰۹	شرق تبریز	اوج قدرت ایلخانان و ثبات سیاسی، برتری عنصر شیعه بر سایر مذاهب در دوره اولجایتو	پیوند با شنب‌غازان در شرق تبریز	دارای عنصر علمی - مذهبی با رونق علوم مختلف در مجموعه و سازمان فضایی آن و تعدیل عنصر مذهب بین شنب‌غازان و ربع رشیدی
ارگ علیشاه	۷۱۶ تا ۷۲۴	مرکز شهر	آرامش نسبی و صلح در مرزها، برتری مذهب تسنن در دوران ابوسعید	پیوند با شنب‌غازان در غرب تبریز و ربع رشیدی در شرق	تمرکز و هم نشینی عناصر و ارکان قدرت مذهبی (مسجد)، قدرت سیاسی (کاخ‌ها) و قدرت اقتصادی (راسته بزرگ بازار، مرکز صنعتی شهر)



تصویر ۷: گفتمان مجموعه های معماری تبریز عهد ایلخانی با ارکان اصلی قدرت (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

۵.۳.۳. گنبد سلطانیه و پیوند تمام ارکان اصلی قدرت (سیاسی، مذهبی، اقتصادی)؛ مشروعیت بین‌المللی

در بهار ۷۰۴ ه.ق الجایتو، عمارتی را که در مکانی به نام قنقرآلنگ، پدر او بنیان نهاده و اکنون ناتمام بود، تمام کرد و آن را سلطانیه نامید (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۵۵؛ حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۹). سلطانیه به سرعت راه‌های تجاری را به سوی خود جلب کرد و به‌عنوان مرکزیت حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفت. موقعیت صنعتی و تجاری شهر از توصیفات تاریخ وصاف در مورد کارخانه فردوس، مدرسه غیاثیه، قصرهای بزرگان، خانقاه چلبی‌اوغلو، محلات پرجمعیت و ... مشخص می‌شود (وصاف، ۱۳۳۸: ۴۴ - ۵۴۳). بررسی‌های باستان‌شناسی (عالی، ۱۳۸۴) در منطقه خرمدره و ابهر ۵۹ محوطه‌ی ایلخانی را شناسایی کرده که نشان از گسترش فضاهای شهری و استقرارهای حومه‌ای در حریم شهر سلطانیه دارد. ارگ سلطنتی، محلات شهری و بخش‌های اداری در اطراف گنبد در کاوش‌های باستان‌شناسی مشخص شده است. مدارس شیعی سلطانیه شهرت خاصی داشته است؛ به طوری که علامه حلی با دعوت سلطان اولجایتو در سلطانیه حضور یافت و با حضور وی مناظره‌ها و مباحثه‌های علمی مختلفی بین علمای فرقه‌های مذهبی در حضور سلطان مخصوصاً در مدرسه غیاثیه سلطانیه برگزار گردید (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰ - ۱۰۸). در این زمان روابط و تبادلات عمیقی بین ارگ سلطانیه و مجموعه‌های معماری تبریز برقرار است. سلطان اولجایتو و نظریه‌پردازان این عصر با تأسیس مدارس شیعی، خانقاه چلبی‌اوغلو، تزئین گنبد سلطانیه با اسامی ائمه شیعه و ... سعی در رقابت با شهرهای عراق از قبیل حله، نجف و ... در تصاحب مرکزیت و نشانگی عنصر شیعی کرده و تلاش برای انتقال مقابر امامان شیعه به سلطانیه در این راستا بود که با مرگ او اقداماتش نیز بی‌اثر شد (تصویر شماره ۸).

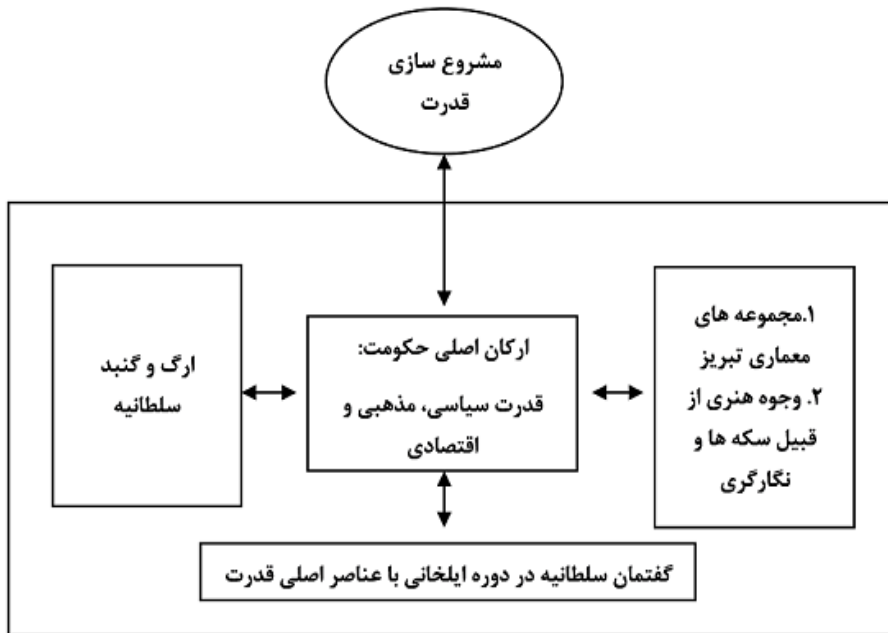




تصویر ۸: مینیاتور ارگ سلطانیه اثر مطراقچی؛ بخش‌ها: ۱: گنبد سلطانیه - ۲: مسجد جامع ۳: بنایی مربوط به خواجه رشیدالدین - ۴: بازارها؟ - ۵: برج‌های ارگ، (سمت چپ)، (منبع: موزه‌ی توپقاپی سرای استانبول، بخش‌های تأکید شده از نگارندگان می‌باشد). تصویر ۴: راه‌های منتهی به مرکز شهر سلطانیه از اقصی نقاط امپراتوری، (سمت راست) (مهریار و همکاران، ۱۳۶۴: ۲۶۱)

همان‌گونه که آمد نظر به ارکان اصلی حکومت شامل قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی، شنب‌غازان مصداق پیوند سیاست و مذهب و ربع رشیدی به‌تنهایی نماد و بازتاب عنصر مذهب خواهند بود؛ اما همه ارکان اصلی قدرت - سیاسی، مذهبی، اقتصادی - در یک نظام ساختاری در زمان سلطان اولجایتو و در مجموعه‌های معماری ارگ سلطانیه و علی‌شاه هم‌نشین شده‌اند و کلیت ساختار و شبکه قدرت را بازمی‌تابانند. با این اوصاف سلطانیه تمامی مصادیق ارکان اصلی حکومت اعم از قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی را دارا می‌باشد. ایجاد مدارس با اهداف تبلیغ مذهب شیعه و حضور علامه حلی، علاوه بر ترویج این مذهب، تبلیغ حاکمیت توسط دولتمردان نیز محسوب می‌شود که با تأسیس چلبی‌اوغلو این پیوند به اوج خود می‌رسد. با تغییر مسیر شاهراه‌های تجاری، اولجایتو سه رکن اصلی حکومت (قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی) در پژوهش حاضر را در شهر جدید خود متمرکز می‌کند و موقعیت و جایگاه شهر تبریز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌نوعی با تعمیر

و تغییر مسیر شاهراه‌ها و به موازات حمل‌ونقل کالاها در مسیرهای تجاری، نیروها و عناصر مزبور نیز در حال سیر و جریان بودند که در بلندمدت باعث شده شهر سلطانیه مصداقی از پیوندهای ارکان اصلی قدرت شود. در مرحله آخر نه صرفاً مشروعیت در سطح ایران بلکه در سطحی بزرگ‌تر و مشروعیت در جهان اسلام مدنظر بوده است. می‌توان گفت در این مرحله مجموعه‌های معماری و به طور خاص گنبد سلطانیه کارکردهای چندگانه‌ای داشته که مهم‌ترین آن بهره‌برداری نهاد سیاسی به‌منظور نمایش قدرت و مشروعیت در بین سایر ملل مسلمان و دولت‌های اروپایی در شهر تجاری و سوق‌الجیشی سلطانیه بوده است. در نمودار زیر نحوه ارتباط گنبد سلطانیه با سایر بناها و آثار هنری ایلیخانی و ارتباطش با عناصر قدرت‌ساز در سطح بین‌المللی نشان داده شده است. (تصویر شماره ۹).



تصویر ۹: نحوه‌ی ارتباط گنبد سلطانیه و آثار هم‌دوره آن با عناصر قدرت‌ساز و انعکاس مشروعیت بین‌المللی ایلیخانان در گنبد (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

برای جمع‌بندی بحث‌های صورت گرفته، نحوه بازتاب ارکان اصلی قدرت در آثار معماری مورد مطالعه و چگونگی تقسیم‌بندی و ظهور سطوح مختلف مشروعیت در این آثار به‌صورت خلاصه آمده است (جدول شماره ۳).

جدول ۳: نحوه تقسیم بندی و ظهور سطوح مختلف مشروعیت بیتهم در آثار معماری خوانین مختلف ایلخانی (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

دوره	آثار معماری	مصادیق ارکان قدرت	مشروع سازی قدرت
هلاکوخان تا آباقخان	شهر و رصدخانه مراغه، بازسازی های بغداد، خبوشان و سایر شهرها	رکن مذهبی و علمی، مظاهری از اندیشه سیاسی و جهان بینی جدید	سطح اول مشروع سازی قدرت: بازتاب تلاش های خوانین برای سازگاری با قوانین اسلامی ملت مغلوب
ارغون خان تا گیخاتو	ساخت ارغونیه، شروع ساخت بناهای مربوط به تمامی مذاهب و فرق در نقاط مختلف	تضاد آرا و عقاید و عدم وجود مصادیق قدرت در آثار معماری	سطح دوم مشروع سازی قدرت: بازتاب بروز اختلافات میان قواعد و باورهای قدرت و ملت تابع و قرار گرفتن در آستانه ی فروپاشی
غازان خان تا ابوسعید	ایجاد شهرها و شهرک های جدید از جمله شنب غازان، ربع رشیدی، ارگ علیشاه و گنبد سلطانیه	همنشینی مصادیق اصلی قدرت در مجموعه بناها و شهرهای این دوره: شنب غازان (مصدق پیوند ارکان قدرت سیاسی و مذهبی)، ربع رشیدی (مصدق رکن مذهبی و اندیشه سیاسی اسلامی)، ارگ علیشاه (مصادیق پیوند قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی)، گنبد سلطانیه (مصادیق پیوند قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی در سطح بین المللی)	سطح سوم مشروع سازی قدرت: مشروعیت بازتابی از همگرایی مردم تابع و رضایت بین دولت و ملت

۶. نتیجه گیری

معماری در دوره ایلخانی همگام با گفتمان های مسلط جامعه، جهان بینی های خاص این دوره را نمایان می سازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مفاهیم غیرساختمانی آثار معماری شاخص ایلخانی، با فرایند مشروع سازی قدرت در دوره ایلخانان هماهنگ بوده و مصادیق و ارکان اصلی قدرت به نحوی در عناصر ساختمانی و یا سازمان فضایی بناها نمود یافته است. گفتمان قدرت و معماری ایلخانی با مراحل سه گانه نظریه مشروع سازی قدرت دیوید بیتهم قابل انطباق است؛ در مرحله اول خوانین ایلخانی در پی کسب سطح اول مشروعیت و سازگاری با قواعد ایرانی - اسلامی

جامعه ایرانی هستند. مظاهر و مصادیق این سطح در آثار باقی‌مانده از شهر مراغه قابل بازنمایی است.

با اهمیت یافتن عنصر شرع در کنار عنصر عقل در اندیشه سیاسی نظریه‌پرداز این دوره خواجه‌نصیرالدین طوسی، فضا برای مشروعیت‌طلبی حکام اولیه ایلخانی و استفاده از تقدیرگرایی زمان حمله مساعد شد. بدین ترتیب ساخت رصدخانه به‌عنوان مرکز علمی تمامی علوم و مذاهب، بازسازی‌های خوشان (قوچان) توسط هلاکو و تجدید بناها و سیستم‌های آبرسانی بغداد و انتخاب تخت سلیمان، مرکز مذهبی ساسانیان و کاربرد نقوشی از شاهنامه در کاشی‌های آن در جهت ایجاد همبستگی بین خود و فرمانروایان ساسانی را می‌توان نمونه‌هایی از تلاش‌ها در جهت انطباق با قواعد مستقر در ایران - سطح اول مشروعیت - دانست. هرچند از آثار معماری اواسط ایلخانان تا روی کار آمدن غازان نمونه‌ای بر جای نمانده، ولی استفاده از منابع تاریخی و تطبیق آن با سایر هنرها از جمله سکه‌ها، این نقص را تا حدودی جبران می‌کند.

داده‌های این دوره نشانگر عدم موفقیت خوانین ایلخانی در پیشبرد اهداف توجیهی خود است. احداث شهر ارغونیه و بنای معابد بودائی و شمنی و کلیساهای مختلف هم‌زمان با کشمکش و تضاد دائمی فرقه‌های رایج، خود نمونه‌ای از عدم توفیقات ارغون در ادامه‌ی رویکردهای مشروعیت‌طلبی آباقخان می‌باشد. این نوع آشفتگی در سکه‌های این دوره نیز با نقر عباراتی مسیحی، یهودی، اوغوری و اسلامی همچون «بسم‌الاب و الابن»، «روح‌القدس» و علامت صلیب در کنار عبارات اسلامی و عناوین «قآن» به خط اوغوری ملاحظه می‌گردد.

در معماری عهد مسلمانی ایلخانان شواهد و مدارک از رضایت تابعان و سطح سوم مشروعیت به بهترین شکل نمایان گشته است. مهم‌ترین بناهای شاهانه‌ی این دوره شنب‌غازان، ربع رشیدی، ارگ علیشاه و گنبد سلطانیه هستند که ارکان اصلی قدرت شامل قدرتهای سیاسی، اقتصادی و مذهبی در آن‌ها بازتاب یافته است؛ در شنب‌غازان قرار گرفتن عناصری چون مسجد جامع، مدارس با مذاهب شافعی و حنفی، بیت‌القانون و ... به‌عنوان زیرمجموعه‌های عنصر مذهب و قرار گرفتن آرامگاه سلطان در مرکز به‌عنوان مهم‌ترین عنصر، مصداقی از پیوند قدرت سیاسی و مذهب بوده که غازان خان بعد از فروپاشی خلافت عباسی و جهان‌بینی تسنن سعی در به‌انحصار درآوردن آن‌ها در دستگاه دولت و شخص خود داشت.

بدین ترتیب تأثیر عناصر قدرت‌ساز و اندیشه سیاسی جدید جامعه ایلخانی بر فرم و سازمان فضایی مجموعه‌های شهری شنب‌غازان و ربع رشیدی دیده می‌شود. مجاورت مصادیق قدرت سیاسی با مصداق‌های قدرت مذهبی و اقتصادی در اواخر این دوره در مجموعه‌های ارگ علیشاه و سلطانیه به‌صورت کامل به‌منصه ظهور رسیده است. همنشینی عناصر و ارکان قدرت‌ساز در ارگ علیشاه شامل مسجد و خانقاه (قدرت مذهبی)، بناهای حکومتی و کاخ‌ها (قدرت سیاسی) و بازارها (قدرت اقتصادی) بازتابی از کلیت ساختار و شبکه قدرت در دولت ایلخانی است و تجمیع این

تحلیل گفتمان قدرت و هنر در آثار معماری دوره ایلخانی بر اساس نظریه مشروع سازی قدرت دیوید بیتهم ۳۹

مصادیق قدرت در سازمان فضایی ارگ سلطانیه با کاخ و دیوان سلطنتی، ایجاد مدارس با اهداف تبلیغ مذهب شیعه و حضور علامه حلی، تأسیس بقعه چلبی اوغلو و تغییر مسیر شاهراه های تجاری، نشانگر بازتاب گفتمان غالب جامعه ایلخانی در اصول معماری و شهرسازی این دوره است.

منابع

- آجرلو، بهرام (۱۳۸۹). «درآمدی بر سبک معماری آذربایجان»، باغ نظر، دوره ۷، شماره ۱۴. صص ۱۴-۳.
- آجرلو، بهرام (۱۳۹۳). «رهیافتی تاریخی به شهرسازی و مجموعه‌های معماری تبریز عهد ایلخانی»، پژوهشنامه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، دوره ۴، شماره ۷. صص ۲۳ - ۱.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۲). تحریر تاریخ و صاف، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد (۱۳۵۹). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱، چ ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اتینگهاوزن، ریچارد؛ اشیپولر، برتولد (۱۳۹۷). مغولان، ترجمه یعقوب آژند، چ ۴، تهران: مولی.
- بختیاری فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵). گفتمان ایران‌شهری در هنر دوره ایلخانی، پایان‌نامه دکتری تخصصی، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
- بروشکی، محمدمهدی (۱۳۶۵). بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، چ ۱، مشهد: آستان قدس رضوی.
- بویل، ج. ا (۱۳۹۷). تاریخ ایران کمبریج مغولان، ترجمه‌ی تیمور قادری، ج ۵، چ ۳، تهران: مهتاب.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۱). دین و دولت در عهد ایلخانی، ج ۱ تا ۳، چاپ ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیتهم، دیوید (۱۳۹۰). مشروع‌سازی قدرت، ترجمه محمد عابدی اردکانی، چ ۲، یزد: مرکز انتشارات دانشگاه یزد.
- بیلان اصل، لیدا، داریوش ستارزاده (۱۳۹۰). «مقایسه گستردگی شهر تبریز در دوره‌های ایلخانی، صفوی و قاجار با استناد بر مستندات تاریخی»، هویت شهر، دوره ۹، شماره ۲۱. صص ۷۰ - ۵۷.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۲). تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار، چ ۲، تهران: انتشارات آرمان‌شهر.
- پطروشفسکی، کارل یان؛ اسمیت؛ لمبتن (۱۳۹۴). نظام اجتماعی و اقتصادی ایلخانان، ترجمه یعقوب آژند، چ ۱، تهران: نشر گسترده.
- پولادی، کمال (۱۳۹۸). تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام، چاپ ۷، تهران: نشر مرکز.
- ترابی طباطبایی، جمال (۱۳۴۷). «سکه‌های اسلامی (دوره ایلخانی و گورکانی)»، نشریه شماره سه آذربایجان شرقی، تبریز: موسسه گراور و چاپ شعاع.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۹۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی، چ ۱۸، تهران: سمت.
- جعفری، ابودر (۱۳۸۴). «شیز: تحلیلی تاریخی و کالبدی؛ و بررسی انطباق مکانی آن با تخت سلیمان»، نشریه هنرهای زیبا، ۷ (۲۵): ۳۴ - ۲۵.
- جوینی، علاءالدین عطاملک (۱۳۷۰). تاریخ جهان‌گشا، به اهتمام عبدالوهاب قزوینی، چ ۴، ج ۱ - ۳، تهران: انتشارات ارغوان.
- حافظ ابرو (۱۳۵۰). ذیل جامع التواریخ، به اهتمام خان بابا بیانی، تهران: انجمن آثار ملی.
- حیب، فرح (۱۳۸۹). «تحلیلی از عرصه‌های شهری در شیوه آذری؛ نمونه موردی شهر آرمانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۴۱. صص ۹۱ - ۱۰۰.

خواندامیر، غیاث‌الدین (۱۳۸۰). حبیب السیر فی تاریخ افراد البشر، تصحیح سید محمود دبیر سیاقی و جلال‌الدین همائی، چ ۴، تهران: نشر خیام.

خیری، سیروس؛ صدرایی، علی (۱۳۸۱). ارگ علیشاه اثری ماندگار، چ ۱، تبریز: انتشارات مهد آزادی.
دوونینو، ژان (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی هنر، ترجمه مهدی سبحانی، چاپ ۱۰، تهران: نشر مرکز.
راودراد، اعظم (۱۳۸۶). «جامعه‌شناسی اثر هنری»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، دوره ۲، شماره ۲. صص ۹۱ - ۶۶

ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی، تهران: علم.
سجودی، فرزانه (۱۳۹۸). نشانه‌شناسی کاربردی، چ ۶، تهران: نشر علم.
سرفراز، علی‌اکبر؛ و آورزمانی، فریدون (۱۳۸۸). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زنده، چ ۷، تهران، سمت.
سلیمانیان، حمیدرضا (۱۳۸۸). «همگرایی هنر و عرفان در فرهنگ ایرانی - اسلامی»، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دوره ۵، شماره ۲۱. صص ۷۳ - ۵۸.
سیاه کوهیان، هانف (۱۳۹۱). «تأثیر عرفان اسلامی بر معماری ایرانی با تأکید بر تزئینات گنبد سلطانی»، نشریه عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، دوره ۹، شماره ۳۴. صص ۶۴ - ۴۷.
شکاری‌نیری، جواد (۱۳۸۴). «یافته‌هایی از طرح شنب‌غازان، پدیده‌ی شهری عصر ایلخانی به نام ابواب البر»، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۶، شماره ۲۴. صص ۸۰ - ۷۳.
شکاری‌نیری، جواد (پاییز و زمستان ۱۳۹۵). «تعیین عملکرد و طرح معماری واحدهای نجومی مکشوفه در رصدخانه مراغه، مطالعات باستان‌شناسی»، دوره ۸، شماره ۲. صص ۱۰۹ - ۹۱.
شکرپور، شهریار (۱۳۹۳). رابطه میان قدرت و هنر در عصر ایلخانی (مطالعه موردی: کتیبه‌های معماری دوره ایلخانی)، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه تربیت مدرس؛ دانشکده هنر و معماری.
طباطبائی، جواد (۱۳۹۵). تاریخ اندیشه سیاسی در ایران (ملاحظات در مبانی نظری)، چ ۲، تهران: انتشارات مینوی خرد.
طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۳۵). مجموعه رسائل، به کوشش مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۸). بنیادهای علم سیاست، چ ۳۲، تهران: نشر نی.
عالی، ابوالفضل (۱۳۸۴). گزارش بررسی ابهر، سازمان میراث فرهنگی: منتشر نشده.
علاء‌الدینی، بهرام (۱۳۹۵). سکه‌های ایران دوره ایلخانان مغول، چ ۲، تهران: برگ‌نگار.
فضل‌الله همدانی، خواجه رشیدالدین (۱۳۵۶). وقف نامه ربع رشیدی، به کوشش ایرج افشار و مجتبی مینوی، چ ۱، تهران: انتشارات آثار ملی.
فضل‌الله همدانی، خواجه رشیدالدین (۱۳۶۲). جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، چ ۲، تهران: انتشارات اقبال.
کاشانی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). تاریخ اولجایتو، به اهتمام مهین همبلی، چ ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
کریمیان، حسن؛ مهدی‌زاده، بهزاد (۱۳۹۶). شهرهای ایران عصر ایلخانی تحلیلی بر نقش وقف در توسعه شهرهای دوران ایلخانی، چ ۱، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- کلایس، والفرا (۱۳۴۸). «تخت سلیمان و زندان سلیمان»، تهران: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۶ (۴).
- کنتارینی، امبروزیور؛ باربارو، جوزا؛ کاترینو زنو (۱۳۸۱). سفرنامه ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیر، چ ۲، تهران: خوارزمی.
- گرابر، الگ؛ اتینگهاوزن، ریچارد (۱۳۸۹). معماری اسلامی، ترجمه اکرم قیطاسی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- مارکوپولو (۱۳۵۰). سفرنامه، با مقدمه جان ماسفیلد، ترجمه حبیب‌الله صحیحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). نزهه‌القلوب، به اهتمام و تصحیح گای لیسترانج، چ ۱، تهران: ندیای کتاب. مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲). تاریخ تبریز تا پایان قرن نوزدهم هجری، تهران: انجمن آثار ملی. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). «حکومت و مشروعیت»، کتاب نقد، دوره ۳، شماره ۷، صص ۷۷ - ۴۲. موسوی، سیدرضی (۱۳۹۶). درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی، چ ۲، قم: مدرسه اسلامی هنر. مهریار، محمد؛ کبیری، احمد؛ توحیدی، فائق (۱۳۶۴). «بررسی و پیگردی مقدماتی: برج و باروی ارگ شهر قدیم سلطانیه»، فصل‌نامه اثر، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۲۶۴ - ۲۰۹.
- میرفتاح، علی‌اصغر (۱۳۷۴). پایتخت‌های ایران: مراغه، تبریز و سلطانیه در پایتخت‌های ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نصر، حسین (۱۳۹۴). علم و تمدن در اسلام. ترجمه احمد آرام، چ ۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. نهچیری، عبدالحسین (۱۳۸۰). جغرافیای تاریخی شهرها، چ ۳، تهران: انتشارات مدرسه. ورجاوند، پرویز (۱۳۶۶). کاوش در رصدخانه مراغه، چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- وصاف‌الحضره، فضل‌الله بن عبدالله (۱۳۳۸). تاریخ وصاف‌الحضره، به اهتمام محمد مهدی اصفهان، چ ۱، تهران: کتابخانه ابن‌سینا و کتابخانه جعفری تبریز.
- ویلبر، دونالد (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، چ ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Alexander, Victoria (2003). Sociology of the Arts: Exploring Fine and Popular Forms, Melbourne & Berlin, Blackwell Publishers.

Biran, Michal (2013). Rulers and City Life in Mongol Central Asia (1220 – 1370), E. J. Brill, Leiden, pp.257-283.

Blair, S.S. and J.M. Bloom (1994). The Art And Architecture of Islam: 1250-1800 A. D. New Haven: Yale University Press.

Hauser, Arnold (1982). The Sociology of Art, London: Routledge & Kegan Paul.

Scheler, M (1980). Problems of a sociology of Knowledge, London: Routledge & Kegan Paul.

Tavakol, M (1987). Sociology of Knowledge: Theoretical Problems, India: Sterling publishers.

Research Article

Analysis of Power and Art Discourse in Architectural Works of the Ilkhanid Era based on David Beetham's Legitimation of Power Theory

Farzad Feyzi¹ AND Habib Shahbazi Shiran²

Date of received: 2022/12/31

Date of Accept: 2023/02/14

Abstract

Despite their prominent religious characteristics, the most important Ilkhanid structures built in their capital are great, soaring, and regal. Historical references suggest that the final shape of the preeminent buildings was determined by Sultans and their courts. This study aims to determine a discourse relationship between the outstanding architectural works of the Ilkhanid era and the main pillars of power. To this end, David Beetham's legitimation of power theory was adopted. This qualitative and historical study uses an analytic-descriptive method to describe the discursal performance and instances of the main pillars of power in architectural works. The results indicated that the power elements were reflected in Ilkhanid architectural works and the concepts represented matched David Beetham's legitimation of power theory. Building the Maragheh observatory as a science center and Takht-e Soleyman palace to build solidarity with the Sassanid rulers as the first level of power legitimation, and building Buddhist temple, churches, and mosques amid constant conflicts of common religions were examples of Arghun and his successors' failure to continue legitimacy-creating approaches at the second level of power legitimation. At the third level, the alliance of the main pillars of power during the Islamic Ilkhanid era manifested in the most important regal buildings including Shanb Ghazan (political and religious power alliance), Rab'-e Rashidi (religious and scientific power alliance), Alishah Ark and Soltaniyeh dome (the alliance of all main pillars of power with the organization of buildings such as congregational mosques, Khanqahs, governmental Divan, bazaars, and commercial roads in a structural system) is representative of the reflection of the dominant discourse of Ilkhanate society in architectural and urban development principles of that era.

Keywords: Art and Power Discourse, Ilkhanid Architecture, Pillars of Power, David Beetham.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Feyzi, Farzad; Shahbazi Shiran, Habib (Spring 2023). "Analysis of Power and Art Discourse in Architectural Works of the Ilkhanid Era based on David Beetham's Legitimation of Power Theory". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 6, Num. 1, S.No. 21, pp. 15 - 48.

¹. PhD student in Archaeology, Faculty of Social Sciences, Mohagheh Ardabili University, Ardabil, Iran. email: farzadfeyzi92@gmail.com

². Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Social Sciences, Mohagheh Ardabili University, Ardabil, Iran, (corresponding author). email: habibshahbazi35@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

Resources

- Aali, Abulfazl (2004). *Abhar Survey Report, Cultural Heritage Organization: Unpublished. (in Persian)*
- Aiti, Abdul Mohammad (1372). *Tahrir Tarikh Wasaf, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. (in Persian)*
- Ajarlo, Bahram (2009). *An introduction to the architectural style of Azerbaijan, Bagh Nazar, Volume 7, Number 14, pp. 3-14. (in Persian)*
- Ajarlo, Bahram (2014). *A historical approach to the urban development and architectural collections of Tabriz, Ahed Ilkhani, research paper on the history of Iran after Islam, volume 4, number 7. pp. 1-23. (in Persian)*
- Aladdini, Bahram (2015). *Iranian coins of the Mughal Ilkhanate period, Ch. 2, Tehran: Berg-Nagar. (in Persian)*
- Alam, Abdur Rahman (2018). *Foundations of Political Science, Ch 32, Tehran: Ney Publishing. (in Persian)*
- Alexander, Victoria (2003). *Sociology of the Arts: Exploring Fine and Popular Forms, Melbourne & Berlin, Blackwell Publishers.*
- Bayani, Shirin (1381). *Religion and government in Ilkhani era, vol. 1 to 3, 2nd edition, Tehran: Academic Publishing Center. (in Persian)*
- Beetham, David (1390). *Legitimization of Power, translated by Mohammad Abedi Ardakani, Ch 2, Yazd: Yazd University Publishing Center.*
- Bilan Assal, Lida, Dariush Sattarzadeh (2010). *Comparison of the expansion of the city of Tabriz in the Ilkhanid, Safavid and Qajar periods with reference to historical documents, City Identity, Volume 9, Number 21. pp. 57-70. (in Persian)*
- Biran, Michal (2013). *Rulers and City Life in Mongol Central Asia (1220 – 1370), E. J. Brill, Leiden, pp.257-283.*
- Blair, S.S.and J.m. Bloom (1994). *The Art And Architecture of Islam: 1250-1800 A. D. New Haven: Yale University Press.*
- Boyle, J. A (2017). *Tarikh Iran Cambridge Mughals, translated by Timur Qadri, vol. 5, ch. 3, Tehran: Mehtab.*
- Broushki, Mohammad Mahdi (1365). *Examining the administrative and educational method of Ruba Rashidi, Ch 1, Mashhad: Astan Quds Razavi. (in Persian)*
- Cantarini, Ambrosior; Barbaro, Josepha; Caterino Zeno (1381). *Travelogue of Venetians in Iran, translated by Manouchehr Amir, Ch. 2, Tehran: Khwarazmi.*
- Clais, Walfram (1348). *Takht Suleiman and Suleiman Prison, Tehran: Journal of Faculty of Literature and Human Sciences, University of Tehran, 16 (4).*
- Duvinio, Jean (2019). *Sociology of Art, translated by Mehdi Sahabi, 10th edition, Tehran: Nahr-e-Karzan.*
- Ettinghausen, Richard; Shpoler, Bertold (2017). *Mughalan, translated by Yaqub Azhand, Ch. 4, Tehran: Molly. (in Persian)*
- Fard Bakhtiari, Hamidreza (2015). *Iranshahri discourse in the art of Ilkhani period, PhD thesis, Isfahan: Isfahan Art University. (in Persian)*

- Fazlullah Hamdani, Khwaja Rashiduddin (1356). Raba Rashidi's dedication letter, by Iraj Afshar and Mojtabi Minavi, Ch. 1, Tehran: National Art Publications. (in Persian)*
- Fazlullah Hamdani, Khwaja Rashiduddin (1362). Jame al-Tawarikh, edited by Bahman Karimi, ch. 2, Tehran: Iqbal Publications. (in Persian)*
- Graber, Alg; Ettinghausen, Richard (2009). Islamic Architecture, translated by Akram Qitasi, Tehran: Surah Mehr Publications.*
- Habib, Farah (1389). An analysis of urban areas in the Azeri style; A case study of the ideal city of Khwaja Rashiduddin Fazlullah Hamdani, Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Development, Volume 2, Number 41, pp. 91-100. (in Persian)*
- Hafez Abro (1350). Under Jame al-Tawarikh, under the care of Khan Baba Bayani, Tehran: National Art Association. (in Persian)*
- Hauser, Arnold (1982). The Sociology of Art, London: Roulledge & Kegan Paul.*
- Ibn Battuta, Muhammad bin Abdullah bin Muhammad (1359). Ibn Battuta's travel book, translated by Mohammad Ali Mohad, Vol. 1, Ch. 2, Tehran: Book Translation and Publishing Company.*
- Jafari, Abuzar (1384). Shiz: historical and anatomical analysis; and examining its spatial compatibility with Takht Suleiman, Fine Art Journal, 7 (25): 34-25. (in Persian)*
- Joyni, Aladdin Attamalek (1370). Tarikh Jahangosha, by Abdul Wahab Qazvini, Ch. 4, Vol. 1-3, Tehran: Arghvan Publications. (in Persian)*
- Karimian, Hassan; Mehdizadeh, Behzad (2016). The cities of Iran during the Ilkhanid era, an analysis of the role of endowments in the development of the cities of the Ilkhanid era, Ch. 1, Tehran: Jihad University Press. (in Persian)*
- Kashani, Abulqasem (1384). History of Uljaito, by Mahin Hambli, Ch. 2, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (in Persian)*
- Khairy, Cyrus; Sadraei, Ali (1381). Arg Alisha, a lasting work, Ch. 1, Tabriz: Mahd Azadi Publications. (in Persian)*
- Khwandamir, Ghiyathuddin (1380). Habib al-Sir in the history of human beings, edited by Seyyed Mahmoud Debir Siyaghi and Jalaluddin Homai, Ch. 4, Tehran: Khayyam Publishing. (in Persian)*
- Marco Polo (1350). Travelogue, with an introduction by John Masfield, translated by Habibullah Sahihi, Tehran: Translation and Publishing Company.*
- Mashkooor, Mohammad Javad (1352). The history of Tabriz until the end of the 19th century, Tehran: Association of National Art. (in Persian)*
- Mehyar, Mohammad; Kabiri, Ahmed; Tawhidi, Faeq (1364). Preliminary research and investigation: Tower and ramparts of the ancient city of Soltanieh, the quarterly book, volume 4, number 12, pp. 209-264. (in Persian)*
- Mirftah, Ali Asghar (1374). The capitals of Iran: Maragheh, Tabriz and Soltanieh in the capitals of Iran, by Mohammad Yusuf Kiani, Tehran: Cultural Heritage Organization of the country. (in Persian)*

- Misbah Yazdi, Mohammad Taghi. (1377). *Government and Legitimacy, Review book, Volume 3, Number 7. pp. 42-77. (in Persian)*
- Mostofi, Hamdullah (1362). *Nazheh-ul-Qulob*, edited by Guy Listrange, Ch. 1, Tehran: Duniyai Kitab. (in Persian)
- Mousavi, Syed Rezi (2016). *An introduction to the methodology of Islamic art, Ch 2, Qom: Madrasah Islamic Art. (in Persian)*
- Nahchiri, Abdul Hossein (1380). *Historical Geography of Cities, Ch. 3, Tehran: Madrasah Publications. (in Persian)*
- Nasr, Hossein (2014). *Science and civilization in Islam. Translated by Ahmad Aram, Ch 6, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (in Persian)*
- Pakzad, Jahanshah (1392). *History of the city and urbanization in Iran from the beginning to the Qajar era, Vol. 2, Tehran: Armanshahr Publications. (in Persian)*
- Petroshevsky; Karl Yan; Smith; Lambton (2014). *The social and economic system of Ilkhans, translated by Yaqoub Azhand, Ch. 1, Tehran: Eshar Farah.*
- Poladi, Kamal (2018). *The history of political thought in Iran and Islam, 7th edition, Tehran: Central Publishing. (in Persian)*
- Rawdrad, Azam (2016). *Sociology of the work of art, Research Journal of the Academy of Arts, Volume 2, Number 2. pp. 66-91. (in Persian)*
- Sarfraz, Ali-Akbar; and Avrezmani, Fereydoun (2008). *Coins of Iran from the beginning to the Zandiye period, Ch 7, Tehran, Samt. (in Persian)*
- Sassani, Farhad (1389). *Semantic analysis: towards social semiotics, Tehran: Alam. (in Persian)*
- Scheler, M (1980). *Problems of a sociology of Knowledge, London: Rouledge & Kegan Paul.*
- Shekarini-Niri, Javad, autumn and winter (2015). *Determining the function and architectural design of exposed astronomical units in Maragheh Observatory, Archaeological Studies, Volume 8, Number 2. pp. 109-91. (in Persian)*
- Shekariniri, Javad (2004). *Findings from the design of Shanbghazan, an urban phenomenon of the Ilkhanid era called Abuab Al-Bar, Fine Arts Magazine, Volume 6, Number 24, pp. 73-80. (in Persian)*
- Shekharpour, Shahriar (2014). *The relationship between power and art in the Ilkhanid era (Case study: architectural inscriptions of the Ilkhanid period), PhD dissertation, Tarbiat Modares University: Faculty of Art and Architecture. (in Persian)*
- Siah Kohian, Hatef (2011). *The influence of Islamic mysticism on Iranian architecture with an emphasis on the decorations of the Soltanieh dome, Islamic mysticism magazine (Religions and Mysticism), volume 9, number 34. pp. 47-64. (in Persian)*
- Sojodi, Farzan (2018). *Applied semiotics, ch. 6, Tehran: Nash Alam. (in Persian)*

- Suleimanian, Hamidreza (2008). The Convergence of Art and Mysticism in Iranian-Islamic Culture, Persian Literature Quarterly of Islamic Azad University of Mashhad, Volume 5, Number 21, pp. 58-73. (in Persian)*
- Tabatabai, Javad (2015). The history of political thought in Iran (observations on theoretical foundations), Ch. 2, Tehran: Minvi Khord Publications. (in Persian)*
- Tarabi-Tabatabaei, Jamal (1347). Islamic Coins (Ilkhani and Gorkani Periods), East Azarbaijan Issue No. 3, Tabriz: Shua Engraving and Printing Institute. (in Persian)*
- Tavakol, M (1987). Sociology of Knowledge: Theoretical Problems, India: Sterling publishers.*
- Tavasli, Gholam Abbas (2011). Sociological theories, Ch 18, Tehran: Samt.*
- Tusi, Khwaja Nasiruddin (1335). A collection of essays, by the efforts of Modares Razavi, Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)*
- Verjavand, Parviz (1366). Exploration in Maragheh Observatory, Ch 1, Tehran: Amirkabir Publications. (in Persian)*
- Wasaf-al-Hazra, Fazlullah bin Abdullah (1338). Tarikh Wasaf Al-Hadrah, by Mohammad Mahdi Isfahan, Ch 1, Tehran: Ibn Sina Library and Jafari Library, Tabriz. (in Persian)*
- Wilbur, Donald (1365). Islamic architecture of Iran during Ilkhanate period, translated by Abdullah Faryar, Ch 2, Tehran: Scientific and Cultural Publications.*

